



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کشتی نجات : چهل حدیث ناب از سخنان امام هادی علیه السلام

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله مکارم شیرازی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۴	کشتی نجات : چهل حدیث ناب از سخنان امام هادی علیه السلام
۱۴	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۲۰	فهرست مطالب
۳۵	پیشگفتار
۳۷	۱- شکر نعمت
۳۷	اشاره
۳۷	خدا و رسولش هم شاکرند!
۳۸	قدردانی از والدین
۳۹	برکات شکر
۴۰	اقسام شکر
۴۱	۲- دنیا و آخرت
۴۱	اشاره
۴۱	علت انتخاب سخنان امام هادی (علیه السلام)
۴۲	نگاه به دنیا
۴۴	تمدن غربی سرابی بیش نیست!
۴۵	۳- آثار حلم و سفاقت
۴۵	اشاره
۴۵	معنای «حلم» در این حدیث
۴۶	عقلانیت در اسلام و دیگر ادیان و مذاهب
۴۷	اهمیت عقل از دیدگاه قرآن و روایات
۴۹	۴- محبت و دلسوزی
۴۹	اشاره

- ۴۹ ..... دو اصل اساسی
- ۴۹ ..... مصادیق محبت و دلسوز
- ۵۰ ..... ۱. دوستی و دلسوزی خداوند
- ۵۰ ..... ۲. محبت و دلسوزی پیامبران
- ۵۰ ..... ۳. علاقه و دلسوزی علمای دین
- ۵۱ ..... ۴. دوستان انسان
- ۵۱ ..... اتحاد و همبستگی، رمز پیروزی
- ۵۳ ..... ۵- از انسان های بی شخصیت دوری کن!
- ۵۳ ..... اشاره
- ۵۳ ..... نشانه های افراد باشخصیت
- ۵۴ ..... نشانه های افراد بی شخصیت
- ۵۴ ..... مصادیق های دیگر حدیث
- ۵۷ ..... ۶- دنیا تجارت خانه است
- ۵۷ ..... اشاره
- ۵۸ ..... مشابهت های بازار و دنیا
- ۶۳ ..... ۷- خودراضی مباش
- ۶۳ ..... اشاره
- ۶۳ ..... غریزه ای به نام حبّ ذات
- ۶۴ ..... نه افراط، نه تفریط
- ۶۴ ..... پیامدهای از خود راضی بودن
- ۶۷ ..... ۸- مقدرات
- ۶۷ ..... اشاره
- ۶۷ ..... آینده تاریخ:
- ۶۷ ..... ۱. مقدرات قارون
- ۶۸ ..... ۲. مقدرات قوم سبأ
- ۶۹ ..... ۳. مقدرات طاغوت های عصر ما

۷۱	..... معیار شخصیت
۷۱	..... اشاره
۷۱	..... مشکلات مال و ثروت
۷۱	..... ۱. مشکل به دست آوردن
۷۲	..... ۲. مشکل نگهداری
۷۲	..... ۳. مشکل هزینه کردن
۷۲	..... ۴. مشکل ترک اموال
۷۳	..... ۵. مشکل حساب و کتاب روز قیامت
۷۳	..... اعمال؛ ملاک شخصیت در جهان آخرت
۷۴	..... نظام ارزشی اسلام
۷۵	..... ۱۰- مصیبت صابر و بی صبر!
۷۵	..... اشاره
۷۵	..... مصائب مختلف دنیا
۷۶	..... چگونگی برخورد با مصیبت ها
۷۶	..... همه مشکل دارند!
۷۸	..... نتایج دیگر صبر و استقامت
۷۸	..... جامعه صابر و جامعه کم تحمل
۸۱	..... ۱۱- آمادگی برای ظهور حضرت مهدی (عج)
۸۱	..... اشاره
۸۲	..... فواید انتظار فرج
۸۲	..... شیعیان آماده باشند
۸۵	..... ۱۲- شوخی آری، هزل نه!
۸۵	..... اشاره
۸۵	..... معنای «هزل»
۸۵	..... تفاوت هزل و شوخی
۸۶	..... شوخی مذموم و مزاح ممدوح

- ۱۳- دور اندیشی - ۸۹
- اشاره - ۸۹
- دو نوع زندگی - ۸۹
۱. روزمزیگی - ۹۰
۲. آینده نگری - ۹۱
- ۱۴- خشم بر زیردستان - ۹۳
- اشاره - ۹۳
- حقیقت خشم و غضب - ۹۳
- پیامدهای خشم و غضب - ۹۴
- راه فرار از غضب - ۹۴
- ۱۵- حکمت - ۹۷
- اشاره - ۹۷
- حکمت چیست؟ - ۹۷
- فاعلیت فاعل و قابلیت قابل - ۹۸
- ۱۶- بهترین ها و بدترین ها - ۱۰۱
- اشاره - ۱۰۱
- مبارزه با معلول یا علت! - ۱۰۱
- بیان دیگری برای روایت - ۱۰۲
- ۱۷- حسادت و آثار آن - ۱۰۵
- اشاره - ۱۰۵
- مفاسد حسادت - ۱۰۵
- ضررهای حسادت - ۱۰۶
- مبارزه با حسادت - ۱۰۷
- ۱۸- زمان حسن ظن و هنگام سوء ظن - ۱۰۹
- اشاره - ۱۰۹
- نهی از سوء ظن در قرآن و حدیث - ۱۰۹



- حکمت تفصیل مورد بحث ----- ۱۱۰
- ۱۹- از دیگران چه انتظاراتی داشته باشیم؟ ----- ۱۱۳
- اشاره ----- ۱۱۳
- گفتگوی امام هادی (علیه السلام) و متوکل ----- ۱۱۳
- نکته ای دقیق در مورد روانشناسی ----- ۱۱۴
- ۲۰- استقبال از نعمت های الهی ----- ۱۱۷
- اشاره ----- ۱۱۷
- دو مطلب بسیار مهم ----- ۱۱۷
- شکر نعمت نعمت افزون کند ----- ۱۱۸
- خداوند حکیم است ----- ۱۱۹
- نعمت نظام اسلامی ----- ۱۱۹
- ۲۱- لجاجت ----- ۱۲۱
- اشاره ----- ۱۲۱
- ارتباط لجاجت با گناهان دیگر ----- ۱۲۱
- ثمرات شوم لجاجت ----- ۱۲۲
- نتیجه ترک لجاجت حضرت آدم (علیه السلام) ----- ۱۲۲
- ثمره لجاجت ابلیس ----- ۱۲۳
- ۲۲- مکر الهی ----- ۱۲۵
- اشاره ----- ۱۲۵
- معنای «مکر» ----- ۱۲۵
- ایمن از مکرالله! ----- ۱۲۶
- نمونه هایی از مبتلایان به عذاب الهی ----- ۱۲۷
- ۲۳- اسیران جهالت و نادانی ----- ۱۲۹
- اشاره ----- ۱۲۹
- معنای «اسیر» ----- ۱۲۹
- اسیران هوای نفس ----- ۱۳۰

- ۱۳۳ ----- ۲۴- اطاعت خالق یا رضایت مخلوق
- ۱۳۳ ----- اشاره
- ۱۳۳ ----- ۱. رضایت مخلوق در عرض رضایت خدا
- ۱۳۴ ----- ۲. رضایت خالق و خشم مخلوق
- ۱۳۴ ----- دموکراسی غربی و مردم سالاری اسلامی
- ۱۳۷ ----- ۲۵- مرء و جدال
- ۱۳۷ ----- اشاره
- ۱۳۷ ----- تفسیر «مرء»
- ۱۳۸ ----- جدال ممدوح و مذموم
- ۱۴۱ ----- ۲۶- مسیر یکتاپرستی
- ۱۴۱ ----- اشاره
- ۱۴۱ ----- کدام راه؟
- ۱۴۲ ----- نگاهی به تاریخ سه پیامبر بزرگ
- ۱۴۳ ----- پیروی از حق در عصر و زمان ما
- ۱۴۵ ----- ۲۷- پنج ردیله اخلاقی
- ۱۴۵ ----- اشاره
- ۱۴۵ ----- ۱. دوره فشرده اخلاق اسلامی
- ۱۴۶ ----- ۲. تفاوت خودبتربینی با چند ردیله دیگر
- ۱۴۶ ----- ۳. خودبتربینی، مانع تحصیل علم
- ۱۴۷ ----- ۴. نادانی و بخل!
- ۱۴۷ ----- ۵. تلاش فراوان برای مبارزه با ردایل اخلاقی
- ۱۴۹ ----- ۲۸- فقر و غنا
- ۱۴۹ ----- اشاره
- ۱۴۹ ----- تفسیر دیگران از فقر و غنا
- ۱۵۰ ----- فقر و غنا از دیدگاه اسلام
- ۱۵۰ ----- ساده زیستی بهترین راه مقابله با دشمن

- ۱۵۳ ..... ۲۹- پیامدهای عاقق والدین
- ۱۵۳ ..... اشاره
- ۱۵۳ ..... علل تیرگی روابط فرزندان و والدین
- ۱۵۳ ..... ۱. نگاه حقارت آمیز
- ۱۵۴ ..... ۲. سخت گیری ها
- ۱۵۵ ..... وظیفه رسانه ها و دیگران
- ۱۵۷ ..... ۳۰- ایام، گناهی ندارند!
- ۱۵۷ ..... اشاره
- ۱۵۸ ..... انتساب گناه به روزها
- ۱۶۱ ..... ۳۱- چاپلوسی
- ۱۶۱ ..... اشاره
- ۱۶۱ ..... انگیزه متملقان
- ۱۶۲ ..... پیامدهای چاپلوسی
- ۱۶۵ ..... ۳۲- توبه نصوح
- ۱۶۵ ..... اشاره
- ۱۶۵ ..... تفسیر «توبه نصوح»
- ۱۶۶ ..... نفاق، مشکل بزرگ انسان ها
- ۱۶۹ ..... ۳۳- عبادت شبانه
- ۱۶۹ ..... اشاره
- ۱۷۰ ..... اهمیت راز و نیاز در سحر
- ۱۷۰ ..... راز اهمیت نماز شب
- ۱۷۱ ..... راه قرب الی الله
- ۱۷۳ ..... ۳۴- مال حرام
- ۱۷۳ ..... اشاره
- ۱۷۳ ..... نکات چهارگانه
- ۱۷۴ ..... ثمرات مال حرام

- ۱۷۵ ..... فراوانی مال حرام در عصر و زمان ما
- ۱۷۵ ..... مصرف وام برخلاف قرارداد
- ۱۷۵ ..... جریمه های دیرکرد
- ۱۷۶ ..... طرق دیگر کسب مال حرام
- ۱۷۶ ..... مال حرام و محرومیت از عبادت
- ۱۷۷ ..... ۳۵- دعا در اماکن مقدّس
- ۱۷۷ ..... اشاره
- ۱۷۷ ..... راز اهمیت برخی زمان ها و مکان ها
- ۱۷۸ ..... زمان های نحس
- ۱۷۹ ..... شرافت کربلا
- ۱۸۱ ..... ۳۶- خدا را فقط به خاطر خودش عبادت کن
- ۱۸۵ ..... ۳۷- نافرمانی فرزندان
- ۱۸۵ ..... اشاره
- ۱۸۵ ..... پدران، مادران و فرزندان
- ۱۸۶ ..... والدین در قرآن
- ۱۸۷ ..... سخت گیری والدین
- ۱۸۹ ..... ۳۸- نماز شب
- ۱۸۹ ..... اشاره
- ۱۸۹ ..... اهمیت نماز شب
- ۱۹۰ ..... آثار نماز شب
- ۱۹۰ ..... مذمت پرخوری و پرخوابی
- ۱۹۳ ..... ۳۹- یاد مرگ
- ۱۹۳ ..... اشاره
- ۱۹۳ ..... برخورد با مرگ
- ۱۹۵ ..... نتایج یاد مرگ
- ۱۹۵ ..... مرگ خیر نمی کند!

۴۰- تقوا و اطاعت ..... ۱۹۷

اشاره ..... ۱۹۷

تقوا عامل محبوبیت ..... ۱۹۷

محبوبیت، عامل محافظت ..... ۱۹۸

اطاعت خالق آری، سخط او هرگز! ..... ۱۹۸

فهرست منابع و مآخذ ..... ۲۰۱

درباره مرکز ..... ۲۰۵

## کشتی نجات : چهل حدیث ناب از سخنان امام هادی علیه السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی ، ناصر ، 1305 -

عنوان و نام پدیدآور : کشتی نجات: چهل حدیث ناب از سخنان امام هادی (ع) / [مکارم شیرازی]؛ تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی.

مشخصات نشر : قم: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، 1396.

مشخصات ظاهری : 182 ص. ؛ 5/14×5/21 س م.

فروست : سلسله مباحث اخلاقی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله).

شابک : 65000 ریال : 978-600-98337-2-6

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتاب حاضر در سال 1395 تحت عنوان «سخنان امام هادی (ع) : سلسله مباحث اخلاقی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی» توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع) فیبا گرفته است.

یادداشت : کتابنامه: ص. [179] - 182؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : چهل حدیث ناب از سخنان امام هادی (ع).

عنوان دیگر : سخنان امام هادی (ع) : سلسله مباحث اخلاقی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی.

موضوع : علی بن محمد (ع) ، امام دهم، 212 - 254ق. -- احادیث

موضوع : Ali ibn Muhammad, Imam X -- Hadiths

موضوع : اربعینات -- قرن 14 -- نقد و تفسیر

Arab'inat -- 20th century -- Criticism and interpretation\*

احادیث شیعه -- قرن 14 -- نقد و تفسیر

.Hadith (Shiites) -- Texts -- 20th century -- Criticism, interpretation, etc

شناسه افزوده : علیان نژادی ، ابوالقاسم ، 1343 - ، گردآورنده

رده بندی کنگره : BP49/2 /م8س3 1396

رده بندی دیویی : 297/9583

شماره کتابشناسی ملی : 4907089

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

ص: 1

**اشاره**

---

سر شناسه: مکارم شیرازی، ناصر، 1305-

عنوان و نام پدیدآور: کشتی نجات: چهل حدیث ناب از سخنان امام هادی علیه السلام / مکارم شیرازی (مدّ ظله)؛ تهیه و تنظیم:  
ابوالقاسم علیان نژادی

مشخصات نشر: قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، 1396.

مشخصات ظاهری: 184 ص.؛ 5/14 \* 5/21 س م.

شابک: 978-600-98337-2-6

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر در سال 1395 تحت عنوان «سخنان امام هادی علیه السلام» توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام  
فیپا گرفته است.

یادداشت: 40 حدیث ناب از سخنان امام هادی علیه السلام

موضوع: علی بن محمد (ع)، امام دهم، 212-254 ق.-- احادیث

موضوع: Ali ibn Muhammad, Imam X-- Hadiths

موضوع: اربعینات -- قرن 14 -- نقد و تفسیر

موضوع: احادیث شیعه -- قرن 14 -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده: علیان نژادی، ابوالقاسم، 1343 -، گردآورنده

رده بندی کنگره: 1396 ک 5 م/142 BP

رده بندی دیویی: 9583/279

شماره کتابشناسی ملی: 4907089

---

کشتی نجات



چهل حدیث ناب از سخنان امام هادی علیه السلام

سلسله مباحث اخلاقی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: 2000 نسخه

نوبت چاپ: اول

صفحه و قطع: 184 صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: 1396

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

شابک: 978-600-98337-2-6

آدرس ناشر: ایران - قم - ابتدای خیابان شهدا - کوچه 22

تلفن: 37732478

فکس: 37840099

www[.]amiralmomeninpub[.]ir

ص: 2

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ص: 3



پیشگفتار-----15

1. شکر نعمت-----17

خدا و رسولش هم شاکرند!-----17

قدردانی از والدین-----18

برکات شکر-----19

اقسام شکر-----20

2. دنیا و آخرت-----21

علت انتخاب سخنان امام هادی (علیه السلام)-----21

نگاه به دنیا-----22

تمدن غربی سرابی بیش نیست!-----24

3. آثار حلم و سفاهت-----25

معنای «حلم» در این حدیث-----25

- 26-----عقلانیت در اسلام و دیگر ادیان و مذاهب
- 27-----اهمیت عقل از دیدگاه قرآن و روایات
4. محبت و دلسوزی-----29
- دو اصل اساسی-----29
- مصادیق محبت و دلسوز-----29
- اتحاد و همبستگی، رمز پیروزی-----31
5. از انسان های بی شخصیت دوری کن!-----33
- نشانه های افراد باشخصیت-----33
- نشانه های افراد بی شخصیت-----34
- مصادیق های دیگر حدیث-----34
6. دنیا تجارت خانه است-----37
- مشابَهت های بازار و دنیا-----38
7. خودراضی مباش-----43
- غریزه ای به نام حبّ ذات-----43
- نه افراط، نه تفریط-----44
- پیامدهای از خود راضی بودن-----44
8. مقدرات-----47
- آینه تاریخ-----47
9. معیار شخصیت-----51
- مشکلات مال و ثروت-----51
- اعمال؛ ملاک شخصیت در جهان آخرت-----53



10. مصیبت صابر و بی صبر!-----55
- مصائب مختلف دنیا-----55
- چگونگی برخورد با مصیبت ها-----56
- همه مشکل دارند!-----56
- نتایج دیگر صبر و استقامت-----58
- جامعه صابر و جامعه کم تحمل-----58
11. آمادگی برای ظهور حضرت مهدی (عج)-----61
- فواید انتظار فرج-----62
- شیعیان آماده باشند-----62
12. شوخی آری، هزل نه!-----65
- معنای «هزل»-----65
- تفاوت هزل و شوخی-----65
- شوخی مذموم و مزاح ممدوح-----66
13. دور اندیشی-----69
- دو نوع زندگی-----69
14. خشم بر زبردستان-----73
- حقیقت خشم و غضب-----73
- پیامدهای خشم و غضب-----74
- راه فرار از غضب-----74
15. حکمت-----77
- حکمت چیست؟-----77





16. بهترین ها و بدترین ها-----81
- مبارزه با معلول یا علّت!-----81
- بیان دیگری برای روایت-----82
17. حسادت و آثار آن-----85
- مفاسد حسادت-----85
- ضررهای حسادت-----86
- مبارزه با حسادت-----87
18. زمان حسن ظن و هنگام سوء ظن-----89
- نهی از سوء ظن در قرآن و حدیث-----89
- حکمت تفصیل مورد بحث-----90
19. از دیگران چه انتظاراتی داشته باشیم؟-----93
- گفتگوی امام هادی (علیه السلام) و متوکل-----93
- نکته ای دقیق در مورد روانشناسی-----94
20. استقبال از نعمت های الهی-----97
- دو مطلب بسیار مهم-----97
- شکر نعمت نعمت افزون کند-----98
- خداوند حکیم است-----99
- نعمت نظام اسلامی-----99
21. لجاجت-----101
- ارتباط لجاجت با گناهان دیگر-----101
- ثمرات شوم لجاجت-----102



- نتیجه ترک لجاجت حضرت آدم (علیه السلام)-----102
- ثمره لجاجت ابلیس-----103
22. مکر الهی-----105
- معنای «مکر»-----105
- ایمن از مکرالله!-----106
- نمونه هایی از مبتلایان به عذاب الهی-----107
23. اسیران جهالت و نادانی-----109
- معنای «اسیر»-----109
- اسیران هوای نفس-----110
24. اطاعت خالق یا رضایت مخلوق-----113
1. رضایت مخلوق در عرض رضایت خدا-----113
2. رضایت خالق و خشم مخلوق-----114
- دموکراسی غربی و مردم سالاری اسلامی-----114
25. مرء و جدال-----117
- تفسیر «مرء»-----117
- جدال ممدوح و مذموم-----118
26. مسیر یکتاپرستی-----121
- کدام راه؟-----121
- نگاهی به تاریخ سه پیامبر بزرگ-----122
- پیروی از حق در عصر و زمان ما-----123
27. پنج رذیله اخلاقی-----125



2. تفاوت خودبترینی با چند رذیله دیگر-----126
3. خودبترینی، مانع تحصیل علم-----126
4. نادانی و بخل!-----127
5. تلاش فراوان برای مبارزه با رذایل اخلاقی-----127
28. فقر و غنا-----129
- تفسیر دیگران از فقر و غنا-----129
- فقر و غنا از دیدگاه اسلام-----130
- ساده زیستی بهترین راه مقابله با دشمن-----130
29. پیامدهای عاق والدین-----133
- علل تیرگی روابط فرزندان و والدین-----133
- وظیفه رسانه ها و دیگران-----135
30. ایام، گناهی ندارند!-----137
- انتساب گناه به روزها-----138
31. چاپلوسی-----141
- انگیزه متملقان-----141
- پیامدهای چاپلوسی-----142
32. توبه نصوح-----145
- تفسیر «توبه نصوح»-----145
- نفاق، مشکل بزرگ انسان ها-----146
33. عبادت شبانه-----149
- اهمیت راز و نیاز در سحر-----150



- 150-----راز اهمیت نماز شب
- 151-----راه قرب الی الله
- 153-----34. مال حرام
- 153-----نکات چهارگانه
- 154-----ثمرات مال حرام
- 155-----فراوانی مال حرام در عصر و زمان ما
- 155-----مصرف وام برخلاف قرارداد
- 155-----جریمه های دیرکرد
- 156-----طرق دیگر کسب مال حرام
- 156-----مال حرام و محرومیت از عبادت
- 157-----35. دعا در اماکن مقدّس
- 157-----راز اهمیت برخی زمان ها و مکان ها
- 158-----زمان های نحس
- 159-----شرافت کربلا
- 161-----36. خدا را فقط به خاطر خودش عبادت کن
- 165-----37. نافرمانی فرزندان
- 165-----پدران، مادران و فرزندان
- 166-----والدین در قرآن
- 167-----سخت گیری والدین
- 169-----38. نماز شب
- 169-----اهمیت نماز شب





- آثار نماز شب-----170
- مذمت پرخوری و پرخوابی-----170
39. یاد مرگ-----173
- برخورد با مرگ-----173
- نتایج یاد مرگ-----175
- مرگ خبر نمی کند!-----175
40. تقوا و اطاعت-----177
- تقوا عامل محبوبیت-----177
- محبوبیت، عامل محافظت-----178
- اطاعت خالق آری، سخط او هرگز!-----178
- فهرست منابع و مآخذ-----181



پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حوادث و آثار پس از آن در داخل و خارج از کشور، دشمن را به شدت ناراحت و عصبانی کرد. تا این که بیداری اسلامی شروع شد که عصبانیت دشمن به اوج خود رسید.

نشانه های این عصبانیت این است که گاه قرآن را آتش می زنند، گاه نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) را کف کفش ها می نویسند و گاه به امام هادی (علیه السلام) توهین می کنند و گاه آن فرمانده دیوانه آمریکایی پیشنهاد می کند که مکه و مدینه را با بمب اتم ویران کنند، که البته در تمام اقداماتی که کرده اند نتیجه معکوس گرفته اند و توجه مردم دنیا به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان شیعه (علیهم السلام) و معارف دینی و اماکن مقدسه بیشتر شد. سران بعضی از کشورهای اسلامی چقدر نادان اند، که دشمن در فکر نابود کردن همه چیز اسلام است و آنها دست در دستشان نهاده و با چنین دشمنانی متحد شده اند!

با توجه به هجوم وسیع اخیر دشمنان اسلام به ساحت مقدس

امام هادی (علیه السلام) (1) در اینترنت، که اوج آن، هتّاکِ آن خواننده مزدور مرتد در قالب اشعار زشت و سخیف بود، مرجع عالی قدر جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدّظله) تصمیم گرفتند محور مباحث اخلاقی خویش را که روزهای چهارشنبه در مسجد اعظم قم برگزار می شد، سخنان ارزشمند آن امام مظلوم قرار دهند.

این کار با لطف و عنایت خداوند متعال از تاریخ 1391/27/2 شروع شد و در 1392/11/30 به اتمام رسید و اکنون در قالب چهل حدیث ارزشمند از احادیث اخلاقی امام هادی (علیه السلام) پیش روی شماست.

از خداوند متعال می خواهیم که معرفت ما را درباره آن امام همام روز به روز بیشتر کرده و توفیق عمل به دستوراتش را به همه ما عنایت فرماید.

قم - مدرسه امام سجّاد (علیه السلام)

ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی

1392/12/18

ص: 15

---

1- امام هادی (علیه السلام) در سال 212 هـ. ق در محلی به نام صریا در اطراف مدینه منوره متولد شد و در بدترین دوران های خلافت خلفای عباسی، یعنی در عصر متوکل که از خونخوارترین خلفای بنی العباس بود، زندگی می کرد و 11 سال در سامرا تحت فشار شدید قرار داشت و در نهایت در سال 254 هـ. ق در سنّ 42 سالگی به دست المعتز به شهادت رسید.

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «الشَّاكِرُ اسَدٌ عَدُوٌّ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي اَوْجَبَتْ الشُّكْرَ، لِأَنَّ النِّعْمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرُ نِعْمٌ وَ عُقْبَى؛ سعادتی که بر اثر شکر نعمت نصیب انسان شاکر می شود بیش از سعادتی است که از خود آن نعمت نصیبش می شود. زیرا نعمت ها متاع دنیا هستند، اما شکر، هم نعمت دنیا محسوب می شود، و هم نعمت آخرت»<sup>(1)</sup>.

بنابراین، باید به این نکته توجه داشته باشیم که شکر نعمت از خود نعمت ارزشمندتر است؛ ولی غالباً از این نکته غافلیم.

### خدا و رسولش هم شاکرند!

مسأله شکر، در آیات و روایات، بسیار دامنه دار است<sup>(2)</sup>، و از جمله ویژگی های شکر این است که بین خداوند و بنده اش مشترک است.

ص: 16

---

1- بحارالانوار، ج 78، ص 365، ح 1 و تحف العقول، ص 362.

2- به کتاب میزان الحکمه (با ترجمه فارسی)، ج 6، ص 2814، باب 2060 به بعد مراجعه فرمایید.

آری، خداوند هم شاکر است! شاهد این مطلب، آیه شریفه 158 سوره بقره است که می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ)؛ «خداوند (نسبت به عمل او) قدر دان و (از آن) آگاه است». هنگامی که بنده کار خیری انجام می دهد، تشکر و قدردانی خداوند از بنده اش این است که به او جایزه می دهد. خداوند، هم «شاکر» است و هم «علیم» چراکه می داند هرکس چقدر استحقاق دارد و به هر شخص چه جایزه ای بدهد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز شاکر است، لذا خداوند متعال در آیه شریفه 103 سوره توبه خطاب به وی می فرماید: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)؛ «از اموال آنها صدقه ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آن ها را پاک سازی و پرورش دهی، و (به هنگام گرفتن زکات) برای آنها دعا کن؛ که دعای تو مایه آرامش آن هاست؛ و خداوند شنوا و داناست».

دعای رسول مکرم (صلی الله علیه و آله) برای کسانی که به وظیفه شرعی پرداخت زکات عمل می کردند، در حقیقت قدردانی و شکرگزاری از آنها برای کارشان بود.

### قدردانی از والدین

از آیات قرآن استفاده می شود که خداوند متعال قدردانی از والدین را در کنار شکر نعمت های خود قرار داده است، لذا در

سوره لقمان، آیه شریفه 14 می فرماید: (أَنْ شَكَرُ لِي وَلِوَالِدَيْكَ)؛ «برای من و برای پدر و مادرت شکر به جای آور». انسان هنگامی که نوزادان ضعیف را می بیند که توان هیچ کاری را ندارند و حتی نمی توانند آب دهانشان را جمع کنند، و پدر و مادر همچون پروانه ای گرد وجود او چرخیده و با زحمات طاقت فرسا به او کمک می کنند، به یاد زحمات فراوان والدین خود می افتد. خداوند! به ما توفیق قدردانی از زحمات آنان را عنایت فرما.

## برکات شکر

از جمله برکات شکر، ایمان و علم و معرفت است. خداوند متعال در سوره ابراهیم، آیه شریفه 5 می فرماید: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ)؛ «در این، نشانه هایی است برای هر شکیبای شکرگزار».

شاکر در سایه شکرگزاری، آیات و نشانه های الهی را در جان خود جذب می کند و در پی معرفت درباره نشانه های خداوند، ایمان و علم و معرفتش زیاد می شود. گذشته از همه این ها، به جا آوردن شکر نعمت های خدا، هیچ ثمری برای خداوند ندارد؛ بلکه نتیجه آن عاید خودمان می شود: (وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ). (1)

ص: 18

لذا خواجه عبدالله انصاری گفته است:

گر جمله کائنات کافر گردند \*\*\* بر دامن کبریا نشیند گرد(1)

## اقسام شکر

شکرگزاری سه مرحله دارد: قلبی و زبانی و عملی. انسان باید قلباً از خداوند ممنون باشد. از این که خداوند نعمت های بی شمار مادی و معنوی را از قبیل ایمان و هدایت و پیامبران الهی و کتب آسمانی و امامان معصوم (علیهم السلام) در اختیارش نهاده، قلباً شاکر باشد و این قدردانی را از قلب خود بگذراند و بر زبانش نیز جاری سازد و به این مقدار قناعت نکرده، در عمل نیز تشکر کند.

شکر عملی هر نعمتی، استفاده صحیح از آن است. اگر خداوند به شما طلبه، نعمت استفاده از حوزه های علمی را داده، قدردان آن باش و به طور صحیح از آن استفاده کن و مرتب درس بخوان و بر سر مایه علمی ات بیفزا. مردم ایران اسلامی از نعمت ارزشمند انقلاب عملاً قدردانی کنند، یعنی از آن حمایت کرده و پیام های آن را فراموش نسازند و در رسانیدن آن به آیندگان کوتاهی نکنند.

پروردگارا! توفیق شناخت نعمت هایت را به ما عطا فرما، تا بتوانیم در سایه این معرفت، شکر آنها را به صورت قلبی و زبانی و عملی به جا آوریم.

ص: 19



امام هادی (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَباً وَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوْضاً؛ خداوند متعال دنیا را خانه مشکلات و امتحان، و آخرت را سرای جاویدان قرار داد و مشکلات دنیا را سبب ثواب آخرت و ثواب آخرت را عوض مشکلات دنیا قرار داد.» (1)

### علت انتخاب سخنان امام هادی (علیه السلام)

همان گونه که قبلاً گفته شد، علت انتخاب سخنان امام هادی (علیه السلام) برای درس های اخلاق روز چهارشنبه، توهین زشت دشمنان اسلام در فضای مجازی است، تا دشمن بفهمد این کارهای سخیف آن ها نتیجه معکوس می دهد. اگر آن ها ببینند علاقه مندان به آن حضرت در پس این هتک حرمت ها به آن حضرت نزدیک تر

ص: 20

و توسعه‌لاتشان بیشتر و توجهشان فزون تر و آشنایی شان دو چندان می شود، دیگر اهانت نخواهند کرد. و این مطلب وظیفه همه شیعیان آن حضرت را سنگین تر می کند.

## نگاه به دنیا

مسئله مهم در زندگی دنیا این است که از چه منظری به دنیا بنگریم؟

اگر دنیا هدف نهایی باشد و معتقد باشیم که اول و آخر و آغاز و پایان همین جاست و با مرگ، همه چیز به آخر می رسد، خود را در دنیا مقید به هیچ چیز نخواهیم دانست و هرکاری دلمان بخواهد انجام می دهیم و از هیچ ظلم و ستمی دریغ نمی کنیم. اما اگر دنیا را ابزاری برای رسیدن به جهان آخرت بدانیم و به آن همچون مزرعه ای نگاه کنیم که باید محصول آن را در سرای عقبی برداشت نماییم؛ (1) یا آن را پلی بدانیم که باید از آن عبور کرده و به سر منزل مقصود برسیم، (2) یا معتقد باشیم دنیا بازاری است که عدّه ای در آن سود کرده و برخی ضرر می کنند: «الْذُّنْيَا سُوقٌ، رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخَرُونَ» (3) و یا دنیا را مدرسه و دانشگاهی بدانیم: «دَارٌ مَوْعِظَةٌ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا» (4) که می توانیم در آن پشوانه علمی و اخلاقی خود را

ص: 21

---

1- میزان الحکمة، ج 3، ص 247، باب 1221، ح 5963.

2- میزان الحکمة، ج 3، ص 283، باب 1263، ح 6253.

3- تحف العقول، ص 362.

4- بحار الانوار، ج 73، ص 129، ح 135.

قوی کنیم و آماده انجام کار مثبتی در جامعه شویم، یا آن را میدان تمرین و کسب آمادگی برای شرکت در مسابقه جهان آخرت بدانیم، همان گونه که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمِصْرَارَ، وَغَدَاً السَّبَاقَ وَ السَّبَقَةَ الْجَنَّةُ وَالْغَايَةُ النَّارُ؛ آگاه باشید! امروز روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است. جایزه برندگان، بهشت، و سرانجام عقب ماندگان، آتش خواهد بود».<sup>(1)</sup>

به این نتیجه می‌رسیم که دنیا ابزاری بیش نیست. اگر با این دید به دنیا نگاه کنیم زندگی ما را از پوچی و بیهودگی و ابتذال خارج می‌کند و دارای هدف و برنامه می‌شویم و سبب می‌شود که خود را مقید به قیودی بدانیم. البته زندگی پاک هزینه و زحمت دارد و باید در مقابل وسوسه های مال و مقام و شهوت مقاومت کرد.

امام هادی (علیه السلام) در این روایت ارزشمند به همین مطالب اشاره فرموده است. از یک طرف دنیا را معبری برای رسیدن به آخرت معرفی می‌کند تا تنها به عنوان یک معبر به آن بنگرید و برایش ارزش قائل باشید و از سوی دیگر به سختی و مشکلات دنیا و اجر و ثوابی که تحمّل این مشکلات در جهان آخرت دارد اشاره فرموده است. حضرت در این قسمت یک بار از علّت به معلول می‌نگرد و بار دیگر ما را از معلول به سمت علّت راهنمایی می‌کند.

ابتدا مشکلات و سختی ها و مرارت های دنیا را علّت رسیدن به

ص: 22

سعادت در سرای آخرت بیان فرموده، سپس ثواب آخرت را معلول و عوض تحمّل مشکلات دنیا معرفی می کند. به راستی چه ترسیم زیبایی!

### تمدن غربی سرابی بیش نیست!

زمانی که تمدن غرب وارد مشرق زمین شد یکی از اصول آن واژه آزادی بود، بعضی ها خیلی ذوق زده شده و لذت بردند که چه هدیه و موهبت بزرگی به آن ها ارائه شده است! اما اکنون که به معنای واقعی آن در تمدن سراب مانند غرب پی می بریم واژه ای از آن منفورتر نمی یابیم.

همجنس بازی در میان همه ملت ها، بلکه تمام حیوانات، مطرود و منفور است، اما تمدن فاسد غرب به نام آزادی آن را آزاد کرده و به رسمیت شناخته است، تا آن جا که همجنس بازان نه تنها از این کار بسیار زشت شرم نکرده و آن را از دیگران پنهان نمی کنند، بلکه در بعضی مراسم و مناسبت ها، از جمله یورو ویژن رژه می روند!

بارخدا یا! با تمام وجود تو را شکر می گوئیم که در سایه پذیرش اسلام به رهبری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) از جمله امام هادی (علیه السلام)، ما را از فرهنگ فاسد و مفسد غرب دور نگه داشتی.

#### اشاره

امام محمد تقی (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ الظَّالِمَ الْحَالِمَ يَكَادُ أَنْ يُعْفَى عَلَى ظُلْمِهِ بِحِلْمِهِ، وَإِنَّ الْمُحِقَّ السَّفِيهَ يَكَادُ أَنْ يُطْفِئَ نُورَ حَقِّهِ بِسَفَاهِهِ؛ ظالمی که دارای حلم (دارای عقل) باشد ممکن است به سبب حلمش مورد عفو الهی قرار گیرد، ولی سفیهی که ظالم نیست ممکن است سفاقتش حقانیتش را از بین ببرد و مشمول لطف الهی نشود». (1)

#### معنای «حلم» در این حدیث

«حلم» در این روایت ممکن است به معنای «عقل» باشد (چون در مقابل سفه به معنای نادانی به کار رفته است) و ممکن است به معنای بردباری باشد. و ما طبق احتمال اول، در مورد حدیث بحث می کنیم.

ص: 24

امام هادی (علیه السلام) ظالم عاقل را اهل نجات می داند، اما مُحَقِّ سفیه را نه، چرا؟

به دو دلیل: نخست این که چنین ظالمی از حد تجاوز نمی کند و عقلش به او اجازه افراط در ظلم و ستم نمی دهد.

دیگر این که به زودی پشیمان می شود و عذرخواهی و جبران خواهد کرد. اما سفیه و نادان چه بسا به قصد اصلاح افساد کند همان گونه که در روایت می خوانیم: «یکون ما یفسده بجهله اکثر مما یصلحه بعقله»<sup>(1)</sup> و چه بسا کار خویش توأم با منت و تحقیر و آزار و اذیت باشد.

### عقلانیت در اسلام و دیگر ادیان و مذاهب

بارها گفته ایم از جمله مسائلی که در هر عصر و زمان، به خصوص در زمان ما باید مورد تأکید واقع شود، عقلانیت در اسلام است؛ در حالی که بسیاری از ادیان و مذاهب از آن فاصله گرفته اند.

مسیحیت امروز قائل به تثلیث است و در عین حال خود را موحد می داند. آن ها معتقد به خدایان سه گانه خدای پدر و پسر و روح القدس هستند و در عین حال مدعی اند که خدا یکی است! هنگامی که به آن ها گفته می شود این عقیده با عقل سازگار نیست

ص: 25

---

1- بحار الانوار، ج 2، ص 84، ح 10.

و «یک» مساوی «سه» نمی شود می گویند: «این امور کار عقل نیست، کار دل است!». (1)

یا هنگامی که به صوفیّه، که معتقد به وحدت وجود به معنای وحدت مصداقی وجودند، گفته می شود: این عقیده هیچ سازگاری ای با عقل ندارد و لازمه آن اتحاد عابد و معبود، خالق و مخلوق، بی معنا بودن آفرینش بهشت و دوزخ، ثواب و عقاب و مانند آن است. (2) می گویند: «درک این مسأله کار عشق است، کار عقل نیست!» و بدین وسیله عقل را از کار می اندازند. برخی از مسلمانان به علت دوری از مکتب اهل البیت (علیهم السلام) معتقد به جبر شده اند. وقتی از آن ها پرسیده می شود: «مگر می شود خداوند کسی را مجبور به کاری کند، سپس برای همان کار غیر اختیاری به او پاداش بدهد یا مجازاتش کند؟ می گویند: «ماعقل را حجت نمی دانیم!».

ولی ما شیعیان به برکت مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و هدایت های آن بزرگواران طرفدار حجت عقل هستیم و همواره در پرتو شعاع آن حرکت کرده ایم.

### اهمیت عقل از دیدگاه قرآن و روایات

بیش از 70 آیه در قرآن مجید درباره عقل بحث کرده است. آیا

ص: 26

---

1- استاد معظمّ خاطره ای در این زمینه نقل کرده، که می توانید آن را در کتاب «خاطراتی از استاد»، ص 37، مطالعه فرمایید.

2- شرح این مطلب را در کتاب مبانی تفسیر نوشته ایم.

قرآنی که این قدر به عقل اهمیت داده و در مورد آن سخن گفته، به پیروانش اجازه می دهد از عقلانیت فاصله گرفته و آن را از کاربندازند؟  
ابتکار مرحوم کلینی چقدر حساب شده و زیباست که کتاب ارزشمندش اصول کافی را با روایات مربوط به عقل آغاز کرده و کتاب العقل و الجهل را در طلوعه کافی قرار داده است؛ یعنی پیروان مکتب تشیع پیروان عقل هستند.

در دنیای امروز آنچه به اسلام جاذبه داده، عقلانیت معارف دینی است. این همه روایت که در مورد فلسفه احکام از حضرات معصومین (علیهم السلام) وارد شده، همه عقلانیت دین ما را نشان می دهد. اگر عقلانیت دین را تثبیت کنیم، جاذبه آن بیشتر خواهد شد. (1)

امام هادی (علیه السلام) در روایت مورد بحث به همین مطلب اشاره کرده، لذا می فرماید: «اگر عقل داشته باشید، هرچند مرتکب لغزش هایی هم شده باشید، سرانجام عقل شما را عاقبت به خیر می کند، اما اگر عقل در کار نباشد هرچند کارهای خوبی هم کرده باشید عاقبت به خیر نخواهید شد».

پروردگارا! هرگز این نعمت عظمی و بی بدیل را از ما مگیر و توفیق معرفتی این بُعد اسلام را به جهانیان، به ما عنایت فرما.

ص: 27

---

1- برای پی بردن به اهمیت عقلانیت و تفکر در مبانی دینی، کافی است حدیث امام کاظم (علیه السلام) خطاب به هشام با دقت مطالعه شود. شرح این روایت ارزشمند را در کتاب ما جایگاه عقلانیت در اسلام مطالعه فرمایید.



### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ جَمَعَ لَكَ وُدَّهُ وَرَأَيْهُ فَاجْمَعْ لَهُ طَاعَتَكَ؛ کسی که درباره تو دو کار انجام دهد پیروش باش (و با او مخالفت مکن) یکی این که تو را دوست داشته باشد و دیگر این که به فکر تو باشد». (1)

### دو اصل اساسی

محبت و دلسوزی درحقیقت دو اصل اساسی دوستی و رفاقت است. طبق حدیث مذکور چنین دوستی را نباید رها کرد.

### مصادیق محبت و دلسوز

مضمون روایت فوق، مصادیق مختلفی دارد و این مصادیق یکسان و در یک رتبه نیستند؛ بلکه در مراتب متفاوتی قرار دارند، که به چند نمونه اشاره می کنیم:

ص: 28

## 1. دوستی و دلسوزی خداوند

خداوند متعال به همه بندگانش محبت دارد و دلسوز آنهاست، لذا برای هدایت آنها 124 هزار پیامبر فرستاده (1) و نعمت های فراوان و غیر قابل شمارش به آن ها داده و با آیات آفاقی و انفسی راه را به آن ها نشان داده است. این ها همه نشانه محبت و دلسوزی خداوند درباره بندگان است. حال که خداوند به فکر شماست با او مخالفت نکنید و پیروش باشید.

## 2. محبت و دلسوزی پیامبران

انبیا و اولیا نیز به مردم محبت دارند و دلسوز آنها هستند، لذا برای هدایت انسان ها مرارت ها و سختی های فراوانی را متحمل شدند. هیچ پیامبری همچون پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در راه هدایت مسلمانان آزار ندید. (2)

حال که انبیا و اولیا دوستدار شماستند و برایتان دلسوزی می کنند، شما هم از آن ها اطاعت و پیروی کنید که به نفع خودتان است.

## 3. علاقه و دلسوزی علمای دین

پس از خداوند متعال و پیامبران و جانشینان آنان (علیهم السلام)، علمای دین و مراجع تقلید عهده دار هدایت مردم اند و در این راه برای آن ها

ص: 29

---

1- میزان الحکمة، ج 8، ص 289، باب 3716، ح 19575 تا 19581.

2- میزان الحکمة، ج 8، ص 579، باب 3784، ح 20023 تا 20025.

دلسوزی می کنند و در این مطلب هیچ شک و تردیدی نیست. برخلاف دنیاپرستان، که تنها به فکر خود هستند و برای دیگران دلسوزی نمی کنند. حال که علمای دین چنین اند، پیرو آن ها باشید.

#### **4. دوستان انسان**

در مرحله بعد، دوستان دلسوز و پرمحبت هستند که امام هادی (علیه السلام) سفارش می کند انسان مقابله به مثل کند و کار نیک آنان را به نیکی پاسخ دهد. در مقابل چنین دوستانی نباید تنها به فکر خود بود، بلکه به هنگام حوادث و سختی ها و ناملایمات، باید به کمک چنان دوستانی شتافت و از آن ها اطاعت کرد.

#### **اتحاد و همبستگی، رمز پیروزی**

این کلام امام (علیه السلام) کلامی کوتاه اما بسیار پرمعنی است. اگر بخواهیم در مقابل دشمنان، که دست به دست هم داده اند، خود را حفظ کنیم، باید دو اصل محبت و دلسوزی را که امام دهم (علیه السلام) به آن سفارش کرده زنده کنیم. هر گروه و حزب و جناحی، فقط به فکر جناح خود نباشد، بلکه دلسوز همه باشد.

عقل می گوید: هنگامی که تمام دشمنان اسلام متحد و یکپارچه شده اند و حتی برخی مسلمان نماها نیز دست در دست آن ها نهاده اند، همه مردم علی رغم تمام اختلاف سلیقه ها، باید متحد

و یکپارچه شوند تا بتوانند بر دشمن غلبه کنند. چراکه هرگونه اختلاف و تشّت و نغمه مخالف، سمّ مهلک و خطرناکی محسوب می شود. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: آنچه مرا آزار می دهد این است که دشمنان در باطل خود متحد و یکپارچه اند، اما شما در حق خود پراکنده و متفرّقید. (1)

امیدواریم مسلمانان عصر ما از خواب غفلت بیدار شده و در سایه محبّت و دلسوزی متحد و یکپارچه شوند، تا بر دشمنان پیروز گردند.

ص: 31

---

1- نهج البلاغه، ج 1، ص 112، خطبه 25 و ص 118، خطبه 27.

## 5- از انسان های بی شخصیت دوری کن!

### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شِدْرَهُ؛ کسی که برای خود شخصیتی قائل نیست، از شر او در امان مباش.» (1)

### نشانه های افراد باشخصیت

مردم دو دسته اند: افراد باشخصیت و انسان های بی شخصیت.

انسان های باشخصیت نشانه هایی به این شرح دارند:

1. زیر بار منت دیگران نمی روند. اگر هدایای فراوانی به آن ها بدهند که همراه با منت و آزار باشد آن را نمی پذیرند.
2. حتی الامکان دست به سوی کسی دراز نمی کنند.
3. کارهایی که آبروی آن ها را در معرض خطر قرار می دهد انجام نمی دهند و برای آبروی خویش ارزش فراوانی قائل اند.
4. از انجام کارهای پست، حتی اگر پاداش بسیار خوبی هم

ص: 32

---

1- بحارالانوار، ج 78، ص 365، ح 5؛ تحف العقول، ص 362.

داشته باشد خودداری می کنند. مثلاً حاضر نیستند مزدور کسی شوند، هرچند درآمد کلانی داشته باشد.

5. با افراد پست دوست نمی شوند و با آن ها مجالست نمی کنند و طرح شراکت نمی ریزند.

آنچه گفته شد بخشی از نشانه های انسان های با شخصیت است.

### **نشانه های افراد بی شخصیت**

انسان های بی شخصیت در تمام نشانه های فوق وارونه هستند. آن ها برای کوچک ترین چیز زیر بار منت دیگران می روند، به راحتی دست به سوی دیگران دراز می کنند، اهمیتی به آبروی خویش نمی دهند، برای رسیدن به پول به کارهای پست دست می زنند و از مجالست و مشارکت و دوستی با افراد پست ابایی ندارند.

چنین افرادی خطرناک اند. به خصوص اگر به ثروت و مقامی برسند چون برای حفظ منافع خود دست به هر کاری می زنند.

امام هادی (علیه السلام) در عبارتی مختصر و کوتاه به یک اصل مهم روانشناسی اشاره کرده است و این درحقیقت هشدار است که مراقب خطراتی که ممکن است از ناحیه انسان های فاقد شخصیت متوجه ما شود باشیم.

### **مصدق های دیگر حدیث**

مطلبی که در این روایت به آن پرداخته شده، گاه در مورد

اشخاص است و گاه در مورد احزاب و کشورها و دولت‌ها، برخی از احزاب و دولت‌ها فاقد شخصیت‌اند و برای رسیدن به پول بیشتر دست به هر جنایتی می‌زنند.

بسیاری از کشورهای مادی دنیای امروز چنین هستند. در یک مقطع که منافعشان اقتضا کند با یک گروه یا کشور می‌جنگند و در مقطع دیگر با همان گروه و کشور متحد شده و از آن‌ها کمک می‌گیرند. چنین احزاب و کشورهایی فاقد شخصیت‌اند.

به هر حال از انسان‌ها، احزاب، دولت‌ها و کشورهای بی‌شخصیت دوری کن تا از شرّ آن‌ها در امان باشی.

ص: 34





### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الدُّنْيَا سُوقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِيرٌ آخِرُونَ؛ دنیا بازاری است که گروهی در آن سود می کنند و گروهی زیان کار می شوند». (1)

به منظور روشن شدن هدف از زندگی در دنیا، در روایات اسلامی تشبیه های متعددی دیده می شود که یک نمونه آن روایت مورد بحث است.

در روایت دیگر، دنیا به مزرعه تشبیه شده است. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «الدُّنْيَا مَرْعَاءُ الْآخِرَةِ؛ دنیا کشتزار آخرت است». (2)

در حدیث سومی دنیا تجارت خانه اولیاء الله توصیف شده است. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا... مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ؛ بی شک دنیا... تجارت خانه اولیای خداست».

ص: 36

---

1- بحار الانوار، ج 78، ص 366، ح 6، تحف العقول، ص 362.

2- میزان الحکمة، ج 3، ص 247، باب 1221، ح 5963.

و در تعبیر چهارم، به دانشگاهی تشبیه شده که باید در آن از سرگذشت دیگران پند و اندرز گرفت.

«دَارُ مَوْعِظَةٍ لِّمَنْ اتَّعَظَ بِهَا»<sup>(1)</sup> و بالاخره در حدیث دیگری به میدان مسابقه ای تشبیه شده که باید برای موفقیت در آن ابزار و وسایل مسابقه را آماده کرد. حضرت علی (علیه السلام) در این باره فرمود: «أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارَ وَغَدَا السَّبَاقَ وَ السَّنْبَقَةَ الْجَنَّةُ وَالْغَايَةَ النَّارَ؛ آگاه باشید! امروز روز تمرین و آمادگی، و فردا روز مسابقه است. جایزه برندگان، بهشت و سرانجام عقب ماندگان، آتش خواهد بود»<sup>(2)</sup>.

به هر حال در همه این روایات، هدف این است که انسان بداند دنیا هدف نیست، بلکه ابزار و وسیله ای است برای رسیدن به قرب پروردگار.

## مشابهِت های بازار و دنیا

بازار ویژگی هایی دارد که دنیا هم دارای همان ویژگی هاست. توجه بفرمایید:

1. «بازار» از دو کلمه «باز» و «آر» تشکیل شده است. یعنی چیزی را می آورند و در آن می گذارند و در مقابل چیزی را از آن جا

ص: 37

---

1- نهج البلاغه، حکمت 131، ج 3، ص 272؛ بحار الانوار، ج 73، ص 129، ح 135.

2- نهج البلاغه، خطبه 28، ج 1، ص 120.

می برند. بنابراین بازار محل اقامت نیست، بلکه محل گذر است؛ دنیا نیز چنین است.

2. انسان باید در بازار حواسش را جمع کند که سرمایه اش را با چه چیزی مبادله می کند؟ آیا آنچه دریافت می کند ارزش مبادله با آنچه را که داده دارد؟ در غیر این صورت ورشکست می شود؛ دنیا نیز چنین است. انسان باید مراقب باشد در مقابل سرمایه عمر که می دهد چه چیزی به دست می آورد؟

3. در بازار، تجار صالح و باایمان وجود دارند و تاجران شیاد و کلاهبردار نیز هستند. در بازار دنیا نیز کلاهبردارانی هستند که اگر غافل شویم سرمایه عمر و ایمانمان را به تاراج می برند.

قرآن مجید در این زمینه راهنمایی های خوبی کرده است. در آیه 10 و 11 سوره صف می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید، این برای شما (از هر چیزی) بهتر است، اگر بدانید!».

و در دو آیه بعد، ثمرات و نتایج این معامله ارزشمند را بیان می کند. و در جای دیگر در مورد این که با سرمایه عمر چه چیزی بخریم می فرماید:

ص: 38

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَرِّبُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)؛ «خداوند از مؤمنان، جان ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد (به این صورت که) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند. این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید و این است آن پیروزی بزرگ!»، (1)

و در آیه شریفه 103 و 104 و 105 سوره کهف در مورد بدترین نوع معامله و زیان کارترین معامله گران می فرماید: (قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا \* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا \* أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا)؛ بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیان کارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ آنها که تلاش هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده، با این حال، می پندارند کار نیک انجام می دهند!» آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند، به همین علت، اعمالشان حبط

ص: 39

و نابود شد! از این روز قیامت میزانی برای آن ها برپا نخواهیم کرد!»،

آری، نگرش اسلام به دنیا، این است که دنیا ابزار و وسیله ای بیش نیست و نباید آن را هدف و اقامتگاه تصوّر کنیم. بکوشیم با این ابزار آنچه باعث نجات است تهیه کنیم و در بازار دنیا تجارت مناسبی که در آیات گذشته به آن اشاره شده بنماییم و مصداق این شعر شاعر نشویم که:

سرمایه ز کف رفت و تجارت نمودیم \*\*\* جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم (1)

بنابراین، تا توانی داریم به تدریس و تبلیغ و تحصیل و خودسازی و امر به معروف و نهی از منکر و تقویت صفات خوب و از بین بردن رذایل اخلاقی خود پردازیم و به تعبیر امام سجّاد (علیه السلام) هر روزمان بهتر از دیروز بلکه هر ساعتان بهتر از ساعت قبل باشد: «وَ اجْعَلْ غَدَى وَ مَا بَعْدَهُ اَفْضَلَ مِنْ سَاعَتَى وَ يَوْمَى» (2).

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد قَسَمْتُ می دهیم که به ما توفیق دهی تا بتوانیم در این بازار تجارت دنیا، تجارت پرسودی کرده و اندوخته مناسبی برای جهان آخرت فراهم سازیم.

ص: 40

---

1- این شعر از میرزای نوغانی خراسانی است.

2- بحار الانوار، ج 90، ص 164، ح 15.



امام هادی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخَطُونَ عَلَيْهِ؛ کسی که از خود راضی باشد مردمان ناراضی از او، فراوان خواهند بود»<sup>(1)</sup>.

### غریزه ای به نام حبّ ذات

این روایت در کلمات برخی دیگر از معصومین (علیهم السلام)<sup>(2)</sup> نیز آمده، و دلیل منطقی آن این است که:

خداوند متعال غریزه ای به نام «حبّ ذات» به انسان داده، که برای ادامه حیات انسان واجب است. اگر آدمی جلب منفعت و دفع ضرر می کند به دلیل وجود همین غریزه است. اگر در پی تکامل و علم و دانش و تقواست سرچشمه آن حبّ ذات است، اگر حبّ ذات نباشد انسان درمقابل خطرات از خود دفاع نمی کند. این که

ص: 42

---

1- بحارالانوار، ج 78، ص 368، ح 3 و ص 369، ح 4.

2- بحارالانوار، ج 78، ص 13، ح 71. این روایت از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است.

خطرات را از خود دفع می کند و به هنگام بیماری به دنبال علاج می رود علت آن حبّ ذات است. حب ذات در حقیقت ابزاری برای تکامل و سپری در مقابل بلاهاست اما تا زمانی که جنبه افراطی به خود نگیرد.

### **نه افراط، نه تفریط**

تمام غرایزی که خداوند در وجود انسان به ودیعت نهاده، برای زندگی وی لازم است، به شرط این که دچار افراط و تفریط نشود. اگر حب ذات افراطی شود، شخص شیفته خود می شود و در نتیجه خودبزرگ بین و از خودراضی می گردد.

### **پیامدهای از خود راضی بودن**

این صفت رذیله سبب می شود که ناراضیان از چنین شخصی، زیاد شوند؛ چراکه انسان از خودراضی همه منافع را برای خودش می خواهد و همه سختی ها و مشکلات را به سوی دیگران هدایت می کند و طبیعی است که مردم از چنین انسانی ناراضی و خشمگین باشند.

مشکل دیگر چنین انسانی این است که عیوبش را محاسن و فضایل تلقی می کند: ترسوست اما خیال می کند طریقه احتیاط را پیش گرفته است؛ آدم بخیلی است اما می گوید: من آینده نگر هستم، برای مشکلات احتمالی آینده خانواده ام باید پس اندازی داشته باشم.



مبتلا به حسادت شده، اما تصور می‌کند که این کار نوعی رقابت، و طبیعی است، کسی که عیوبش را نفهمد، بلکه آن‌ها را محاسن و فضایل بشمارد، مردم از او منتقّر می‌شوند و دشمنان زیادی پیدامی‌کند.

این روایت زیبا و ارزشمند، که علی‌رغم کوتاهی متن آن، معنای وسیع و عمیقی دارد، اختصاص به افراد و اشخاص حقیقی ندارد، بلکه در مورد گروه‌ها و جمعیت‌های اجتماعی و احزاب سیاسی هم صادق است. اگر دولتی از خودراضی شد و شروع به توجیه عیوب و کاستی‌های خود کرد و حتی آن‌ها را محاسن خود پنداشت، مردم از او منتقّر می‌شوند.

اگر در کنار نقاط قوت، به نقطه‌های ضعف خود اعتراف کرده و درصدد اصلاح آن‌ها برآییم مردم راضی می‌شوند؛ اما اگر آن‌ها را توجیه کرده و فرافکنی نموده و حاضر به پذیرش هیچ‌یک از نقاط ضعف خود نشویم مردم از ما روی گردان می‌شوند.



### اشاره

امام هادی (علیه السلام): «الْمَقَادِيرُ تُرِيكَ مَا لَمْ يَخْطُرْ بِبَالِكَ؛ مقدرات، چیزی را به تو نشان می دهد که به ذهنت خطور نمی کند» (1).

گاه برای طغیانگران، حوادث تلخ و کوبنده، و برای صالحان و خوبان، پیروزی های شیرین و دلچسبی رخ می دهد که هرگز تصور آن نمی شود. این حدیث در حقیقت خوف و رجا را بیان می کند.

### آینه تاریخ:

#### 1. مقدرات قارون

در تاریخ، شخصی مانند قارون طغیانگر و از خودراضی را مشاهده می کنیم که وقتی به او گفته می شود: از اموالت سهمی هم برای نیازمندان کنار بگذار، می گوید: «مدیریت و دانش و لیاقت من باعث شد این اموال را به دست آورم» (2) بنابراین تمام آن متعلق به خودم است!

ص: 46

---

1- بحار الانوار، ج 78، ص 369، ح 4.

2- سوره قصص، آیه 78: (قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي...).

قارون آن قدر ثروتمند شد که مردم آرزوی آن را می کردند؛ (1) اما مقدرات، چیزی برای او در نظر گرفته بود که به ذهن مردم خطور هم نمی کرد. خداوند به زمین دستور داد دهان باز کند و قارون و تمام ثروتش را ببلعد و زمین در مقابل چشمان همان مردمی که آرزوی ثروت او را می کردند به فرمان خداوند عمل کرد. آنگاه همان مردم خدا را سپاس گفتند که چنان ثروتی نداشتند. (2)

## 2. مقدرات قوم سبأ

این روایت در مورد قوم سبأ نیز صادق است. همان کسانی که با ایجاد سدّ خاکی بزرگی آب هایی را که هرز می رفت مهار کرده، باغات و مزارع و قصرها و کاخ های باشکوهی ساختند، و خلاصه تمدن جدیدی پدید آوردند، اما شکر آن را به جا نیاورده و طغیان کردند.

خداوند به چند موش صحرايي (3) مأموریت داد سدّ را سوراخ کنند. آب از مسیر سوراخ های ایجاد شده جریان پیدا کرد و لحظه به لحظه سوراخ ها وسیع تر و بزرگ تر شدند، تا آن جا که در کمال بهت و ناباوری مردم سد شکسته شد و تمام آن تمدن از بین

ص: 47

---

1- سوره قصص، آیه 79.

2- سوره قصص، آیه 82.

3- تفسیر نمونه، ج 18، ذیل آیات 18 و 19 سوره سبأ.

رفت و بسیاری از مردم سبأ مردند و آن ها که ماندند محتاج نان شب شدند!

### 3. مقدرات طاغوت های عصر ما

در عصر و زمان خود ما سرگذشت فرعون مصر (حسنی مبارک) و لیبی (سرهنگ قذافی) مصداق دیگر روایت امام دهم (علیه السلام) است. قذافی لباس های عجیبی می پوشید، محافظانش را از میان دختران انتخاب می کرد، در سفرها شتری همراه خود می برد تا همواره شیر تازه شتر بخورد!

اما با وضع ذلت باری کشته شد و مقدرات، چیزی برای او در نظر گرفت که هیچ کس تصوّر نمی کرد.

این حوادث و مقدرات غیرقابل انتظار، برای این است که انسان ها مغرور نشوند و به فکر طغیانگری و ظلم و ستم به دیگران نیفتند.

آنچه برای خوبان و اولیاءالله رقم می خورد هم گاه قابل باور نیست. به قلب چه کسی خطور می کرد که دشمن شماره یک فرعون در دامان او بزرگ شود؟ چه کسی تصوّر می کرد که خداوند پیامبرش را در غار ثور توسط چند تار عنکبوت حفظ کند؟

خلاصه این که انسان، هم باید امیدوار باشد و هم خائف، که مقدرات، چیزهایی به او نشان خواهد داد که به ذهنش هم خطور نمی کند.



اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الْتَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَفِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ؛ شخصیت ظاهری مردم در دنیا به مال و ثروت است در حالی که در آخرت (تنها) به اعمال است» (1).

مشکلات مال و ثروت

دارایی های انسان پنج مشکل دارد:

1. مشکل به دست آوردن

اموال به آسانی به دست نمی آید، بلکه غالباً برای رسیدن به آن باید زحمات زیادی را تحمل کرد. گاه برای به دست آوردن آن مسیرهای حرام طی می شود. گاه برای این کار، مصالح یک امت و کشور فدا می شود. گاه دنیاپرستان به منظور تحصیل مال بیشتر، کلّ نظام

ص: 50

اقتصادی یک کشور را بر هم می زنند. و گاه در راه رسیدن به آن تن به هر ذلت و گناهی داده، و وجدان خویش را سرکوب می کنند.

## **2. مشکل نگهداری**

حفظ آنچه به دست آمده کار راحتی نیست، زیرا کسانی در کمین اند تا اموال را از چنگال انسان خارج کنند و صاحب مال ناچار است برای حفظ آن، با آن ها مقابله کند.

## **3. مشکل هزینه کردن**

باید برای هزینه کردن آن برنامه ای بریزد که سود برایش داشته باشد و ضرر نکند.

## **4. مشکل ترک اموال**

مشکل چهارم صرف نظر کردن از آن به هنگام مرگ است. آن همه ثروت و دارایی را با زحمت فراوان به دست آورده و اکنون به هنگام مرگ باید همه آن ها را رها کرده و با چند قطعه کفن به دیار باقی برود. دیده شده که برخی از وابستگان به همین اموال مدّت ها جان می کنند اما به راحتی جان نمی دادند!

اطرافیان مشاهده کردند که صدای خفیفی از آن ها به گوش می رسد و علاقه به اموال نمی گذارد به راحتی جان بدهند. هنگامی که مال مورد علاقه شان را آورده، روی سینه شان گذاشتند جان به جان آفرین تسلیم کردند!



آری، چشم پوشیدن از مال مورد علاقه و رها کردن آن برای دنیاپرستان کار ساده ای نیست، ولی کسانی که وابسته به دنیا و مظاهر آن نیستند به راحتی جان می دهند.

## 5. مشکل حساب و کتاب روز قیامت

در روز قیامت از هیچ موقفی بدون حساب و کتاب نمی توان گذشت، باید حساب و کتاب همه اموال را پس داد.

## اعمال؛ ملاک شخصیت در جهان آخرت

برخی اعمال سخت تر و برخی راحت تر است. و البته هرچه سخت تر باشد ثواب آن بیشتر است. (1) روزه تابستان ثوابش بیشتر (2) و وضوی با آب سرد در زمستان اجرش افزون تر است. حفظ اعمال هم کار مشکلی است؛ شخص باید پس از انجام اعمال مراقب باشد با ریا و سمعه و منت و آزار و اذیت آن را باطل نکند، همان گونه که در آیه شریفه 264 سوره بقره می خوانیم: (وَلَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى)؛ «صدقات خود را با منت و آزار، باطل نسازید»؛ در حدیثی می خوانیم: هر لا اله الا الله درختی در بهشت می رویاند مشروط بر آن که انسان با آتش ریا و گناه آن را نسوزاند. (3)

ص: 52

---

1- بحار الانوار، ج 70، ص 191.

2- میزان الحکمة، ج 5، ص 191، باب 2326، ح 11115 تا 11118.

3- بحار الانوار، ج 93، ص 168، ح 3.

اعمال خیر اگر این دو مرحله را پشت سر بگذارد مشکلی ندارد؛ بلکه شخص موقع رفتن از دنیا شاد و مسرور و خوشحال است و به هنگام حساب و کتاب، سربلند و سرافراز.

### نظام ارزشی اسلام

این روایت نظام ارزشی اسلام را نیز بیان می کند. در دنیای امروز آن ها که مال بیشتری دارند به خود می بالند و آن را مایه برتری و شخصیت خویش می پندارند؛ ولی اسلام اموالی را خوب می داند که ابزاری برای انجام کارهای نیک باشد.

بنابراین باید مراقب اعمال و کردار خویش باشیم و از آن ها غافل نشویم و اموال و ثروت خود را وسیله ای برای رسیدن به کارهای شایسته قرار دهیم.

ص: 53

### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَلِلْجَائِعِ اثْنَتَانِ؛ کسی که در مقابل مصیبت صبر کند یک مصیبت دارد، اما کسی که بی تابی کند دو مصیبت دارد (بی تابی مصیبت دوم است)» (1).

### مصائب مختلف دنیا

چه بخواهیم و چه نخواهیم دنیا آمیخته با مصائب مختلف است. در گذشته چنین بوده، اکنون نیز چنین است و در آینده هم چنین خواهد بود.

مصیبت ها گاه جنبه مالی دارد؛ مانند این که خرمن آماده کوبیدن، با جرقه ای تبدیل به خاکستر می شود، یا با مقداری بالا و پایین رفتن قیمت ارز عدّه ای ورشکست می شوند. و گاه جنبه جانی دارد؛ مانند این که عزیزی بیمار یا مجروح می شود، یا از دست می رود. و گاه

ص: 54

جنبه آبرویی دارد؛ مانند این که دشمن کاری می کند که آبروی انسان برود یا بر اثر لغزشی آبرویش در معرض خطر قرار می گیرد. و گاه مصیبت اجتماعی است؛ مانند ناامنی ها، گرانی ها و مانند آن. و گاه مصیبت های اخلاقی است؛ مانند مفساد اخلاقی که گاه مردم گرفتار آن می شوند.

### **چگونگی برخورد با مصیبت ها**

انسان در مواجهه با مصائب و مشکلات باید صبور باشد و تلاش کند مشکل را برطرف سازد، و اگر امکان از بین رفتن آن نیست، مانند مرگ عزیزان، اگر صابر باشد یک مصیبت دارد و اگر که جزع و فزع کند دو مصیبت. چرا؟

زیرا اولاً: تحمل مصیبت اجر دارد و با جزع اجرش از دست می رود.

ثانیاً: ممکن است بر اثر جزع و فزع و بی تابی، مبتلا به امراض مختلف از جمله ضعف اعصاب، افسردگی و بیماری های جسمی شود که این خود مصیبت دیگری است. بنابراین، این که روایت می گوید اگر فزع کند دو مصیبت خواهد داشت، حداقل آن است و گاه ممکن است بیشتر باشد.

### **همه مشکل دارند!**

اگر به این نکته توجه داشته باشیم که هر کدام از مردم، مبتلا به

نوعی مشکل و مصیبت است و مشکلات اختصاص به ما ندارد، تحمّل آن آسان ترمی شود.

شخصی مبتلا به بیماری افسردگی شده بود و دائماً در گوشه ای محزون و ناراحت نشسته بود و دنبال کار و زندگی نمی رفت. هرچه برای معالجه او تلاش کردند مؤثر نشد. آخرین نسخه چنین نوشته شد:

«اگر کسی پیدا شود که غمی نداشته باشد و این بیمار پیراهن او را بپوشد غم و غصّه اش زایل می گردد». شروع به جستجو کردند، اما سراغ هرکس رفتند مصیبت و مشکلی داشت و در شهر بزرگشان یک انسان بی غم نیافتند! از شهر خارج شده و در روستاها به جستجو پرداختند تا بالاخره چوپانی را یافتند که گمان می کردند غمی ندارد. گفت: آری، غمی ندارم! خواستند پیراهن او را بگیرند تا آن بیمار بپوشد و خوب شود، دیدند آن چوپان پیراهن ندارد. شخص بیمار با دین این ماجرا بهبود یافت.

آری، توجه به این نکته غم و غصّه انسان را می کاهد و تحمّل آدمی را در مقابل مشکلات زیاد می کند. اضافه بر این، رحمت و صلوات خداوند را نیز برای خود می خرد: (أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ). (1)

ص: 56

## نتایج دیگر صبر و استقامت

علاوه بر این، انسان در پرتو صبر و استقامت، راه حل پیدا می کند اما در سایه جزع و فزع راه حل ها گم می شود. تصوّر کنید گنجشکی وارد خانه ای شده، صاحب خانه پنجره را باز می کند تا خارج شود اما چون عجول و دستپاچه است پنجره باز را نمی بیند و خود را به در و دیوار و شیشه می زند. اگر عاقل بود و لحظه ای می نشست و بررسی می کرد، به راحتی راه فرار را می یافت و از آن جا خلاص می شد. انسان ها نیز همین طورند.

## جامعه صابر و جامعه کم تحمل

روایت مورد بحث، هم در مسائل فردی صادق است و هم در مسائل اجتماعی. اگر مصیبتی بر جامعه ای وارد شود با جزع و فزع حل نمی شود، بلکه مصیبت دوچندان می گردد، اما در سایه عقل و تدبیر و مشورت و تحمل صبر و خویشتن داری، راهی برای حل آن پیدا خواهد شد.

ضمناً در روایات دیگر هم، مضمون حدیث مورد بحث آمده است. از جمله در حدیثی از حضرت علی (علیه السلام) می خوانیم: «إِنْ صَبَرْتَ جَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ، وَأَنْتَ مَا جُورُ، وَإِنَّكَ إِنْ جَزَعْتَ جَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَأَنْتَ مَا زُورُ؛ اگر صبر کنی، مقدرات در مورد تو جاری می شود و پاداش خواهی داشت و اگر بی تابی کنی باز هم

مقدّرات، مسیر خود را طی می کند و گناه و معصیت برایت نوشته خواهد شد!». (1)

مصیبت گاه همچون داروی تلخ، ظاهری بد اما باطنی شفابخش دارد و نردبان ترقی انسان می شود؛ همان گونه که اگر حضرت یوسف (علیه السلام) در چاه نمی افتاد و به زندان نمی رفت به آن مقامات نمی رسید.

ص: 58

---

1- بحار الانوار، ج 71، ص 92، ح 46.





امام هادی (علیه السلام) یکی از اصحابش را دید که مرکب نامناسبی خریده بود. فرمود: چرا چنین مرکبی خریداری کردی؟ با همین پول می توانستی مرکب مناسب تری تهیه کنی که به درد میدان جنگ بخورد؛ سپس فرمود:

«مَنْ از تَبَطَّ دَابَّةً مُتَوَقِّعاً بِهَا أَمْرُنَا وَيَغِيظُ بِهِ نَا عَدُوَّنَا وَهُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا، أَدَرَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَشَرَحَ صَدْرَهُ وَبَلَّغَهُ أَمَلَهُ- كَانَ عَوْنًا عَلَي حَوَائِجِهِ نَا؛ هرکس مرکبی تهیه کند و منتظر باشد که مهدی ما ظهور کند (تا با آن مرکب در رکاب آن حضرت باشد) و دشمنان ما را به خشم آورد، در حالی که از شیعیان ما باشد خداوند (چند پاداش به او می دهد): 1. روزی اش را فراوان می کند. 2. سینه اش را گشاده می سازد. 3. او را به خواسته هایش می سازد. 4. و یار و مددکارش برای رسیدن به خواسته هایش خواهد بود»<sup>(1)</sup>.

ص: 60

---

1- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 163، باب 77، ح 1.

## فواید انتظار فرج

از این روایت استفاده می شود که از زمان امام هادی (علیه السلام)، مردم را برای قیام حضرت مهدی (علیه السلام) آماده می کردند و این کار سه فایده داشت:

1. امیدواری؛ انتظار فرج سبب می شد که شیعیان احساس بی پناهی در برابر دشمنان نداشته باشند، و نور امید همواره در دلشان روشن بماند.

2. آمادگی؛ این گونه سخنان و دستورات سبب می شد شیعیان همواره آمادگی خود را حفظ کنند و حفظ آمادگی، تهذیب اخلاق، علم و آگاهی، شجاعت و شهامت را در پی داشت.

3. مبارزات محدود؛ این نوع سفارشات سبب می شد که شیعیان مبارزات محدود را از دست ندهند و تا زمانی که مبارزه جهانی و فراگیر حضرت مهدی (عج) آغاز نشده بی کار نشینند و دست روی دست نگذارند.

## شیعیان آماده باشند

اکنون نیز شیعیان باید چنین باشند، آمادگی خود را حفظ کنند، برای ظهور آن حضرت نیرو تربیت کنند، نورانیت و تقوی و علم و آگاهی و شجاعت و شهامت داشته باشند و در حدّ توان و امکاناتشان، با دشمنان مبارزات محدودی داشته باشند و اساساً تأسیس حکومت اسلامی به همین منظور است.

اگر در تمام دنیا نمی توان عدالت ایجاد کرد، نباید از برقراری عدالت در منطقه محدودی مانند یک کشور، ناامید شد.

به امید روزی که آن حضرت ظهور کند و همه شیعیان برای بسط عدالت در سراسر جهان فعالیت کنند.

ص: 62



### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الْهَزْلُ فُكَاهَةٌ السُّفَهَاءِ وَصِنَاعَةُ الْجُهَّالِ؛ هزل، شوخی سفیهان و ساخته و پرداخته جاهلان است» (1).

### معنای «هزل»

واژه هزل در لغت عرب به معنای لاغر شدن است. حیوان مهزول به حیوانی که لاغر شده گفته می شود، سپس به کلمات بی محتوا و توخالی و لاغر اطلاق شده است. البته در معنای دوم، یک بار منفی هم به آن اضافه شده و آن زشتی و قباحت است، یعنی کلمات توخالی و بی محتوایی که زشت و قبیح است هزل محسوب می شود، نه هر کلام توخالی و بی محتوایی.

### تفاوت هزل و شوخی

با توجه به آنچه در تعریف هزل گفته شد، تفاوت آن با شوخی

ص: 64

روشن می شود. چون شوخی ممکن است با مطالب آبرومندانه و دارای محتوا و گاه پندآموز همراه باشد اما هزل شوخی های بی محتوا و زشت و قبیح است. لذا امام هادی (علیه السلام) هزل را شوخی سفیهان و ساخته و پرداخته جاهلان دانسته است.

### شوخی مذموم و مزاح ممدوح

روایات زیادی در مورد مزاح و شوخی وارد شده است. (1) برخی از روایات تأکید بر مزاح می کند، (2) به ویژه در سفر. و برخی از روایات نیز آن را کار شایسته ای نمی داند. (3) جمع بین این دو دسته از روایات با توضیحی که پیش تر گفته شد روشن می شود. منظور از مزاح در روایاتی که آن را کار ناشایستی معرفی کرده، سخنانی زشت و بی محتوا و توخالی است که ثمره ای جز اتلاف وقت و گاه توهین و مانند آن ندارد. و روایاتی که آن را سفارش کرده، شوخی هایی را می گوید که در حدّ معقول و حساب شده است و حاوی مطلب زشت و بدی نیست و ایذاء و اهانتی در پی ندارد.

البته مرز بین این دو باریک است و باید بسیار مراقب بود؛ چون کسانی هستند که در لباس مزاح به آزار و اذیت دیگران می پردازند،

ص: 65

---

1- مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار، ج 76، ص 58، باب 106، هجده روایت در این موضوع نقل کرده است.

2- میزان الحکمة، ج 8، ص 123؛ باب 3632، ح 18948 تا 18957.

3- میزان الحکمة، ج 8، ص 124، باب 3633، ح 18958 تا 18973.

یا حسّ انتقام جویی ناشی از حسادت خود را با شوخی آرام می کنند. بدین علت گاه مزاح ها جدّی تر از جدّی است.

بر همه، به ویژه اهل علم، لازم است که بسیار مراقبت کنند و از چنان شوخی هایی که امام هادی (علیه السلام) آن را هزل (1) نامیده، اجتناب ورزند.

ص: 66

---

1- روایات دیگری در مورد «هزل» در میزان الحکمة، ج 8، ص 125، باب 3634، آمده است.





### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «أَذْكُرُ حَسْرَاتِ التَّعْرِيطِ بِأَخْذِ تَقْدِيمِ الْحَزْمِ؛ دورانِیشی را فراموش نکن تا حسرت های کوتاهی ها دامت را نگیرد» (1).

طبق آنچه در این روایت آمده، امام (علیه السلام) توصیه می کند که با دورانِیشی و فکر کردن به عواقب و نتیجه کارها، جلوی حسرت ها و آه و افسوس را می توان گرفت در غیر این صورت انسان هرچقدر تأسّف بخورد اثری ندارد و مشکل حل نمی شود و گذشته باز نمی گردد. اگر انسان آینده نگر باشد و به لوازم و پیامدهای کارهایش فکر کند از امروز سنگ بنای آینده را می گذارد و جلوی آه و افسوس ها را می گیرد.

### دو نوع زندگی

ما انسان ها دو نوع زندگی داریم:

ص: 68

بعضی از انسان ها فقط امروز را می بینند و در پی سپری کردن آن هستند و به فکر فردا و فرداها نیستند. این، اختصاص به زندگی فردی ندارد؛ بلکه در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز صادق است، لذا بعضی از دولتمردان و سیاستمداران فقط به این می اندیشند که مردم را راضی نگه دارند اما به این که ممکن است چه بلایی بر سر کشور بیاید و در آینده چه اتفاقاتی رخ دهد، نمی اندیشند. انسان های کوتاه نگر هرچه دارند خرج امروز خود می کنند و به فکر دوران پیری و بیماری و سختی و مشکلات خود نیستند. در حالی که زندگی همیشه بر یک پاشنه نمی چرخد و بالاخره دوران پیری واز کارافتادگی بامشکلات عجیب و بیماری های متعددش فرامی رسد.

علاوه بر این، خانواده توسعه می یابد؛ بچه ها بزرگ می شوند، نوه ها و نتیجه ها مشکلات خاص خود را خواهند داشت و انسان نمی تواند از کنار این مشکلات به راحتی عبور کند. آیا من می توانم فقط امروز را ببینم و خوش باشم و به فکر فردا و فرداها نباشم؟

آیا یک جامعه می تواند فقط به فکر امروزش باشد و تمام امکانات جامعه را صرف نیازهای امروز خود کرده و اصلاً به فکر آیندگان نباشد؟!

اگر جامعه ای تمام منابع نفت و گاز خود را مصرف کند و همه معدن ها را استخراج نماید و تمام جنگل ها را درو کند و همه

حیوانات و حشرات را صید نماید و محیط زیست را نابود کند تا زندگی امروزش را در کمال رفاه و آسایش بگذراند، کار عاقلانه ای کرده است؟!

## 2. آینده نگری

امام هادی (علیه السلام) در این حدیث شریف به ما هشدار می دهد که فقط به فکر امروزمان نبوده و آینده نگر باشیم که آینده نگری سبب می شود از هم اکنون به گونه ای برنامه ریزی کرده و گام برداریم که در آینده حسرت نخوریم. آینده نگری ایجاب می کند که در مورد گزاهای گلخانه ای زیاده روی نکنیم تا لایه ازن پاره نشود و نفوذ اشعه ماوراء بنفش زندگی را بر روی کره زمین به خطر نیندازد.

ص: 70



اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الْعَصَبُ عَلَى مَنْ تَمَلِكُ لَوْمٌ؛ خشم و غضب بر زبردستان باعث ملامت و سرزنش است»<sup>(1)</sup>.

مفهوم روایت این نیست که این کار درباره دیگران کار شایسته ای است، بلکه منظور آن است که درباره زبردستان و کسانی که بر آن ها سلطه داری و اختیارشان به دست توست، زشتی مضاعفی دارد.

حقیقت خشم و غضب

خشم، افروختگی و هیجان نفس است به گونه ای که قدرت تفکر را تحت الشعاع قرار می دهد و همه قوا را بسیج کرده، در اختیار خود می گیرد و تبدیل به عامل خطرناکی همچون طوفان یا سیلاب یا حیوانی درنده یا شعله ای آتش می شود، و غالباً هم بعد از آن پشیمانی به وجود می آید.

ص: 72

سخنان و رفتار و کرداری که در حال خشم و عصبانیت از انسان صادر می شود، معمولاً سبب ندامت او می گردد. گاه این ندامت قابل جبران است و گاه ممکن است سالیان درازی نتواند آثار آن را جبران کند. لذا در آیات قرآن مجید(1) و روایات حضرات معصومین (علیهم السلام)(2) خشم و غضب به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته و در مورد کنترل آن سفارش های فراوانی شده است.

بسیاری از قتل ها، جنایت ها، جدایی ها و طلاق ها، از بین رفتن دوستی ها و شراکت ها، و مشکلات مردم، ناشی از غضب است.

اگر پرونده های دادگستری مورد مطالعه قرار گیرد، شاید اختلاف و جنایتی که بدون خشم و غضب رخ داده باشد یافت نشود.

### راه فرار از غضب

دوره برای فرار از غضب وجود دارد:

1. بالا بردن قدرت تفکر و تدبیر؛ انسان باید قوت و قدرت تعقل و تدبیرش را آن قدر بالا ببرد که قادر به کظم غیظ و مهار طوفان نفس و آن سیلاب ویرانگر و آتش سوزان و حیوان درنده شود. این مهم در سایه تربیت و تزکیه نفس حاصل می شود.

ص: 73

---

1- مشروح آیات و روایات مذکور را در کتاب اخلاق در قرآن، ج 3، ص 377 به بعد مطالعه فرمایید.

2- مشروح آیات و روایات مذکور را در کتاب اخلاق در قرآن، ج 3، ص 377 به بعد مطالعه فرمایید.

2. تغییر حالت؛ اگر شخص سلطه ای بر نفس ندارد و نمی تواند چنان سیل بند مستحکمی ایجاد کند که جلوی سیلاب خشم و غضب را بگیرد، هر زمان عصبانی شد هیچ سخنی نگوید و هیچ تصمیمی نگیرد، بلکه از آن مکان خارج شود و یا حالتش را تغییر دهد اگر ایستاده است بنشیند، اگر نشسته، بلند شود و راه برود. اگر در خانه است به سرعت از خانه خارج شده، به مسجد یا پارک یا خانه یکی از اقوام و دوستان برود و پس از بازگشت به حالت عادی به خانه بازگردد.

در حدیث معروفی می خوانیم: «هنگامی که حضرت نوح (علیه السلام) امت خود را (که بعد از ارشاد و تبلیغ طولانی و مستمر، پذیرای هدایت نشده بودند) نفرین کرد (و نابود شدند) شیطان نزد نوح (علیه السلام) آمد و گفت: تو حقی بر گردن من داری، می خواهم آن را ادا کنم.

نوح (علیه السلام) در تعجب فرو رفت، گفت: بسیار بر من گران است که حقی بر تو داشته باشم، چه حقی؟

گفت: همان نفرینی که درباره قومت کردی و آن ها غرق شدند و احدی باقی نماند که من او را گمراه سازم، و من تا مدتی راحتتم، تا زمانی که نسل دیگری به پا خیزد و من به گمراه کردن آن ها مشغول شوم.

نوح (علیه السلام) (با این که می دانست نهایت کوشش را برای قوم خود کرده بود، ناراحت شد و) به شیطان گفت: چگونه می خواهی جبران کنی؟

(نوح علیه السلام) می خواست سخنان او را نپذیرد، ولی از طرف پروردگار خطاب آمد که گفتارش را بپذیر، که در این جا راست می گوید.) شیطان گفت: در سه زمان به یاد من باش، که من در این سه زمان، نزدیک ترین فاصله را به بندگان خدا دارم:

1. هنگامی که خشم، تو را فرامی گیرد.

2. هنگامی که در میان دو نفر قضاوت می کنی.

3. هنگامی که با زن بیگانه ای تنها هستی، و هیچ کس در آن جا نیست» (1).

در روایت دیگری می خوانیم که «ذوالقرنین یکی از فرشتگان را ملاقات کرد و به او گفت: دانشی به من بیاموز که بر ایمان و یقینم بیفزاید. گفت: خشم و غضب را ترک کن؛ زیرا هنگامی که انسان غضب می کند، شیطان بیش از هر زمان بر او مسلط می شود. بنابراین، غضب را با وقار و خویشتن داری بازگردان، و آتش آن را با آرامش خاموش کن و از عجله بپرهیز که اگر در کارها عجله کنی از نصیب خود محروم خواهی شد، و در برابر اشخاص دور و نزدیک مهربان باش و سخت گیر و عنود مباش» (2).

ص: 75

---

1- بحار الانوار، ج 11، ص 318.

2- اخلاق در قرآن، ج 3، ص 390.



امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الْحِكْمَةُ لَا تَنْجِعُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ؛ علم و دانش در قلب های فاسد اثری نمی کند» (1).

### حکمت چیست؟

«حکمت» در اصطلاح قرآن و روایات، به معنای علم و دانش است. مثلاً در آیه شریفه 20 سوره «ص» که می فرماید: (و آتیناه الحکمة و فصل الخطاب)؛ «(هم) حکمت به او (داوود) دادیم و هم داوری عادلانه» به همین معناست و ظاهراً شامل علوم اعتقادی و فروع عملی و مسایل اخلاقی، هر سه می شود. البته این که خداوند فرموده: «ما به لقمان حکمت دادیم» منظور، بیشتر، مسایل اخلاقی است.

«نَجَع» در لغت به معنای «دَخَلَ فِيهِ وَ أَثَّرَ؛ داخل در آن شد و اثر

ص: 76

گذاشت» است. و معنای جمله «دواء ناجع شد» این است که دارو وارد بدن بیمار شد و در بدن اثر گذاشت.

## فاعلیت فاعل و قابلیت قابل

برای رسیدن به مقصود و به دست آوردن نتیجه، هم فاعلیت فاعل شرط است و هم قابلیت قابل. اگر «فاعل» در حدّ اعلای فاعلیت باشد اما «قابل» قابلیت نداشته باشد نتیجه ای حاصل نمی شود؛ بلکه گاه نتیجه منفی خواهد بود؛ همان گونه که اگر «قابل» در حدّ اعلای قابلیت باشد و فاعل فاعلیت نداشته باشد بی نتیجه است.

باران بر زمین های مختلف می بارد و در فاعلیت آن هیچ شک و شبهه ای نیست، اما تنها زمین هایی را که قابلیت لازم را داشته باشند احیا می کند و هیچ اثری بر زمین شوره زار نمی گذارد.

داروها همه مؤثرند؛ اما بدن بیمار نیز باید آن را بپذیرد. اگر مشاهده می کنیم که گاهی بهترین داروها اثری نمی بخشد به این دلیل است که بدن بیمار قابلیت ندارد.

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک \*\*\* چو درد تو نبیند که را دوا بکند؟(1)

این جا اشکالی در کار طیب حاذق و مشفق نیست، اشکال از بیمار است. در پیوند اعضا هم این قانون حاکم است. اکنون علم

ص: 77

پزشکی آن قدر پیشرفت کرده که قلب را هم پیوند می زنند. پیوند کلیه که بسیار مرسوم و متداول است و جای خود دارد. ولی بدن بیماران معمولاً اعضای بیگانه را دفع می کند و نمی پذیرد، لذا به بیمار دارویی می دهند که قدرت دفعش کاهش پیدا کند تا پیوند بگیرد. قوانین اجتماعی نیز همین گونه است؛ اگر جامعه ای آلوده و بیمار باشد و قابلیت کافی نداشته باشد، بهترین قانون هم در آن جا نتیجه نمی دهد. مسایل معنوی هم تابع این قانون است؛ به همین علت سلمان فارسی که قابلیت لازم و کافی را دارد از هزاران کیلومتر دورتر خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می رسد و از سرچشمه زلال هدایت می نوشد و سیراب می شود؛ (1) اما ابولهب بی قابلیت که عموی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است و در همسایگی حضرت زندگی می کند هیچ بهره ای از آن چشمه نمی برد! (2)

بنابراین، برای این که بتوانیم از آیات و روایات استفاده کنیم باید به پاک سازی درون پردازیم و از گناهان و خطاهایمان توبه کنیم و غذای مشکوک نخوریم و در حفظ زبانمان کوشا باشیم، تا انوار الهی در قلبمان بتابد، چراکه فیض الهی نه محدود است و نه ممنوع؛ بلکه همچون باران بر همه قلب ها می بارد، اما دلی از آن

ص: 78

- 
- 1- شرح زندگانی جناب ایشان را در کتاب «سلمان نخستین مسلمان ایرانی» یا کتاب «سلمان فارسی استاندار مداین» مطالعه فرمایید.
  - 2- بخشی از مسایل مربوط به ابولهب را در تفسیر نمونه، ج 27، ص 446 به بعد، ذیل آیات 1 \_ 5 سوره تبت، مطالعه فرمایید.

بهره می‌گیرد که قابلیت داشته باشد. نتیجه این که در مسایل فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و روحانی و جسمانی باید قابلیت هم وجود داشته باشد تا نتیجه حاصل گردد.

ص: 79

اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ وَ أَزْجَحُ مِنَ الْعِلْمِ حَامِلُهُ وَ شَرُّ مِنَ الشَّرِّ جَالِبُهُ وَ أَهْوَلُ مِنَ الْهَوَلِ رَاكِبُهُ؛ بهتر از عمل خیر، انجام دهنده آن و زیباتر از کار زیبا، فاعل آن کار است و برتر از علم، عالم و دانشمند و بدتر از کار بد انجام دهنده کار بد است و بدتر از کار وحشتناک، فاعل آن کار است»<sup>(1)</sup>.

امام (علیه السلام) در این روایت پنج جمله فرموده که سه جمله آن امور ارزشی و دو جمله آن مسایل ضد ارزشی است.

مبارزه با معلول یا علت!

این حدیث در حقیقت اشاره به نظام علت و معلول است. یعنی به جای این که به معلول اهمیت بدهیم به دنبال علت ها رفته و سراغ فاعل ها را بگیریم.

ص: 80

اگر عامل کار خیر را تقویت کنیم اعمال خیر گسترش پیدا می کند؛ چون سرچشمه آن او بوده است. و بالعکس اگر با عامل کارهای زشت و نابهنجار و ضد ارزش مبارزه شود سرچشمه آن خشکیده و بساط آن از سطح جامعه برچیده می شود.

ضمناً از این روایت استفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر تنها سفارش به کارهای شایسته و نهی از کارهای ناشایست نیست، بلکه باید به عامل معروف و منکر اهمیت بیشتر داد. (1) باید به سراغ سرچشمه ها رفت؛ چه سرچشمه نور و چه سرچشمه ظلمت، چه سرچشمه ارزش ها و چه سرچشمه ضد ارزش ها.

اگر مفسده ای در جامعه به وجود آمد و آن را جمع کردیم اما سرچشمه اش را نخشکاندیم و ریشه اش را نزدیکیم، از جای دیگر بروز و ظهور می کند و به مفسده گری می پردازد؛ اما اگر سرچشمه اش خشکانده شود دیگر بروز و ظهوری نخواهد داشت.

### بیان دیگری برای روایت

به عبارت دیگر معنای روایت این است که از نظر اخلاقی، فاعل

ص: 81

---

1- شرح بیشتر در مورد این دو فریضه بسیار مهم را در تفسیر نمونه، ج 3، ص 52 به بعد، ذیل آیه 104 سوره آل عمران مطالعه فرمایید. مباحثی نظیر «معروف و منکر چیست؟»، «آیا امر به معروف یک وظیفه عقلی است یا تعبدی؟»، «اهمیت امر به معروف و نهی از منکر»، «امر به معروف از خشونت جداست!» و مطالب دیگر، در منبع فوق آمده است.

هر کار خیری، بهتر از خود آن کار خیر است، چون او دارای ملکه ای است که منشأ خیر است، لذا از فاعل باید بیشتر متشکر باشیم تا مشابه آن کار خیر را در جاهای دیگر انجام دهد.

همچنین از نظر اخلاقی، فاعل هر کار زشتی، بدتر از خود آن کار زشت است، چون ملکه کار زشت در وجود اوست و منشأ کارهای زشت دیگر خواهد شد و برای جلوگیری از تکرار کار زشت باید خود او اصلاح گردد.

ص: 82





### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «إِيَّاكَ وَالْحَسَدَ فَإِنَّهُ يُبَيِّنُ فِيكَ وَ لَا يَعْمَلُ فِي عَدُوِّكَ؛ از حسادت پرهیز کن که ضررهای آن دامن تو را می گیرد و ضرری به دشمنت (که به او حسادت می ورزی) نمی زند». (1)

### مفاسد حسادت

حسادت پدیده بسیار زشت اجتماعی است، و همواره منشأ مفاسدی بوده و هست. مفاسدی که گاه به قتل و غارت منتهی می گردد و گاه کانون گرم خانواده ها را متلاشی می کند و گاه دوستان صمیمی را پراکنده می سازد و برخی از اوقات ثمره ای جز درگیری های قومی و قبیله ای ندارد.

در روایات اسلامی آثار مختلفی برای آن بیان شده، که یک نمونه آن در روایت مورد بحث آمده است. امام هادی (علیه السلام)

ص: 84

می فرماید: «حسادت به تو ضرر می زند، ولی به دشمنت آسیبی نمی رساند». حسادت باطنی (و بدون عمل فیزیکی) اعصاب حسود را ضعیف کرده و او را از پای درمی آورد در حالی که هیچ آسیبی به شخص مورد حسادت نمی زند.

## ضررهای حسادت

حسادت حداقل سه ضرر دارد:

1. روح انسان را آزرده می کند و نوعی بیماری روانی محسوب می شود. روایت مورد بحث به همین ضرر اشاره کرده است.
2. نیروهای فعال انسان را به هدر می دهد. حسود تمام توان و نیرویش را صرف جلوگیری از پیشرفت محسود می کند؛ نیرویی که می تواند باعث ترقی خود او شود.
- و در یک جمله، حسادت سبب می شود نیروهای مثبت تبدیل به نیروهای منفی گردد.
3. حسادت نوعی معارضه با قضای الهی است. روایت «إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»<sup>(1)</sup> و روایت «وَمَنْ حَسَدَ مُؤْمِنًا إِنْ مَاتَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَمُوتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ»<sup>(2)</sup> و آیه

ص: 85

- 
- 1- میزان الحکمة، ج 2، ص 377، باب 852، ح 4098؛ ترجمه: «بی شک حسادت ایمان را نابود می کند، همان گونه که آتش هیزم را می سوزاند».
  - 2- تحف العقول، ص 223؛ ترجمه: «و هر کس به مؤمنی حسادت ورزد، ایمان در قلبش از بین می رود همان گونه که نمک در آب حل می شود».

شریفه (أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ) (1) اشاره به همین مطلب است. خداوند از روی لطف و فضلش نعمتی به شخص محسود داده و محسود در معارضه با این قضای الهی، درصدد از بین بردن آن است.

آری، حسادت مفسد فراوانی دارد که به سه نمونه آن اشاره شد.

## مبارزه با حسادت

انسان در این گونه موارد باید به خود بیاید و کوشش کند که در یک رقابت سالم همچون او یا بالاتر از او شود تا حسادت، به یک رقابت مثبت تبدیل گردد.

حسادت، هم در میان افراد عادی هست و هم در بین سیاستمداران و صاحبان سرمایه اهل علم نیز ممکن است به این صفت رذیله آلوده شوند.

ضمناً این بیماری روحی، سنّ خاصی نمی شناسد و در هر سنّسالی ممکن است دامن انسان را بگیرد.

ص: 86

---

1- سوره نساء، آیه 54؛ ترجمه: «یا این که به مردم [= پیامبر و خاندانش]، بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می ورزند؟!». .



اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ سُوءاً حَتَّى يُعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ وَإِذَا كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ أَغْلَبُ فِيهِ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا مَا لَمْ يُعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ؛ هِرْكَاهُ فِي عَصْرِ زَمَانِي، عَدَالَتُ بَرِّ ظَلَمٍ وَجَوْرُ غَلْبَةِ كُنْدٍ هَيْجِ كَسِّ نَبَايِدِ بِي دِيْغَرِي بَدِيْبِيْنَ بَاشِدْ، مِغَرِ اَيْنِ كِهْ كَارِ زَشْتِيْ اَزِ اَوِ بِيْبِيْنْدِ. وَ اِغْرَ ظَلَمٍ وَ جَوْرٍ بَرِّ عَدَالَتِ غَلْبَةِ كُنْدِ هَيْجِ كَسِّ نَبَايِدِ بِي دِيْغَرِي خَوْشِ بِيْبِيْنَ بَاشِدْ؛ مِغَرِ اَيْنِ كِهْ كَارِ خِيْرِيْ اَزِ اَوِ بِيْبِيْنْدِ».(1)

نهی از سوء ظن در قرآن و حدیث

مسأله سوء ظن از جمله مسائلی است که هم در قرآن مجید(2) و هم در روایات معصومین (علیهم السلام)(3) به شدت از آن نهی گردیده و به

ص: 88

1- بحار الانوار، ج 78، ص 370، ح 4.

2- سوره حجرات، آیه 12.

3- میزان الحکمة، ج 5، ص 320 به بعد، باب 2439، ح 11681 به بعد.

مسلمانان دستور داده شده که به یکدیگر حسن ظن داشته باشند، چراکه سوء ظن آثار و تبعات بدی دارد، از جمله در آیه 12 سوره حجرات می خوانیم که سوء ظن سبب تجسس و تجسس منشأ غیبت می شود، لذا فرموده اند که مسلمانان باید به هم خوش بین باشند و هر چه دیدند حمل بر صحت کنند. (1)

ولی در روایت مورد بحث و روایت مشابهی از حضرت علی (علیه السلام) (2) این تفصیل ذکر شده که اگر عدالت و پاکی بر اهل زمان غالب باشد، تا زمانی که خلافتی از کسی مشاهده نشده نباید به او سوء ظن داشت، اما اگر ظلم و فساد و بداخلاقی و بی تقوایی حاکم باشد، هیچ کس به دیگری حسن ظن نداشته باشد، مگر این که بداند انسان صالحی است.

### حکمت تفصیل مورد بحث

روشن است که این تفصیل به منظور جلوگیری از مفسدتی است که به چند نمونه آن اشاره می شود:

در زمانی که عرفان های کاذب فراوان شده است، اگر شخصی ادعای عرفان و سیر و سلوک می کند و خود را در این زمینه پیر طریقت و راه یافته به قله های عرفان می خواند، در چنین شرایطی

ص: 89

---

1- روایات مربوط به حسن ظن را در میزان الحکمه، ج 5، ص 319، باب 2436، ح 11669 به بعد مطالعه فرمایید.

2- سفینة البحار، ج 5، ص 394.

نباید حسن ظن داشت و به هر مدعی عرفانی تکیه کرد.

اگر در محیطی که مفسد اخلاقی زیاد است، شخصی به خواستگاری فرزندمان آمد، نباید حسن ظن داشته و بدون تحقیق و مشورت جواب مثبت دهیم.

در عصر و زمانی که مردم برای رسیدن به پول بیشتر، کلاهبردار شده و دست به هر کاری می زنند، نباید پیشنهاد شراکت هر کسی را پذیرفت.

این مطلب اختصاص به زندگی فردی ندارد، بلکه در مناسبات اجتماعی و سیاسی نیز جاری است، لذا پیشنهادهای دولت های استکباری را باید با سوء ظن تعقیب کرد و اگر قراردادی بسته می شود باید بسیار حساب شده و دقیق باشد، چون آن ها فقط به منافع خود می اندیشند و در این راه از هیچ چیز باکی ندارند و حاضرند همه را فدا کنند.

حال اگر جامعه ما دو گروه شدند: گروهی نیک و پاک و انقلابی و اهل حلال و حرام، و گروهی فاسد و بی بندوبار، باید به گروه اول حسن ظن و به گروه دوم سوء ظن داشته باشیم.

ضمناً در مواردی که امر به سوء ظن شده منظور آن است که احتیاط بیشتری کنیم، نه این که مطابق سوء ظن عمل نماییم. بنابراین، این مطلب مجوز غیبت و تهمت نمی شود.





### اشاره

امام هادی (علیه السلام) در بخشی از سخنانی که بین ایشان و متوکل عباسی ردوبدل شد، فرمودند: «لَا تَطْلُبِ الصِّفَا مِمَّنْ كَذَبَتْ عَلَيْهِ، وَلَا الْوَفَاءَ لِمَنْ غَدِرَتْ بِهِ، وَلَا النَّصْحَ مِمَّنْ صَدَّرَتْ سُوءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ، فَإِنَّمَا قَلْبٌ غَيْرِكَ كَقَلْبِكَ لَهُ؛ از کسی که از او کدورت به دل داری انتظار صفا(ی دل) نداشته باش، و از کسی که پیمانت را با او، شکسته ای انتظار وفا به پیمان نداشته باش، و از کسی که به او بدبین هستی انتظار خیرخواهی نداشته باش، چراکه همان احساسی که تو درباره او داری، او هم درباره تو دارد».(1)

### گفتگوی امام هادی (علیه السلام) و متوکل

در این جا به موضوع گفتگوی حضرت با خلیفه عباسی اشاره ای نشده است؛ ولی از روایت استفاده می شود که متوکل از حضرت

ص: 92

گله مند بوده که چرا به او حسن ظن ندارد؟ ضمناً بعید نیست که این حدیث دنباله حدیث قبل باشد.

### نکته ای دقیق در مورد روانشناسی

از این روایت ارزشمند یک درس روانشناسی و اجتماعی استفاده می شود و آن این که اگر بخواهیم دل مردم با ما صاف باشد، لازم است دلمان را با آن ها صاف کنیم. اگر دوست داریم خیر خواه ما باشند، باید ما هم خیر خواه آن ها باشیم. اگر علاقه مندیم به قرارها و عهد و پیمان هایمان احترام بگذارند ما هم باید به عهدمان وفا کنیم.

به تعبیر دیگر، باید اصلاحات را از خودمان شروع کنیم تا بتوانیم دیگران را اصلاح کنیم.

امام هادی (علیه السلام) به متوکل عباسی می گوید: تو هر کجا و هر مقدار که بتوانی به شیعیان ظلم و ستم می کنی و آن ها را به قتل می رسانی واز آزار و اذیت آن ها باکی نداری، در عین حال انتظار داری به تو خوش بین باشم!

این روایت، در مورد تعامل و برخورد با دشمنان، درس مهمی به ما می دهد، می گوید: به دشمنانی که سالیان سال با شما عداوت و دشمنی داشته و در حدّ توان به شما ظلم و ستم کرده اند و اکنون هم از کرده خود و سابقه ننگین خویش پشیمان نیستند خوش بین مباشید و در مورد پیشنهاد دوستی و مذاکره آن ها با احتیاط کامل اقدام کنید.

اگر احادیث مربوط به روانشناسی در کلمات حضرات معصومین (علیهم السلام)، به ویژه نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام) جمع آوری شود، یک دوره روانشناسی دینی به دست می آید که حدیث مورد بحث، یک نمونه آن است.

ص: 94



### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الْقَوَا النَّعْمَ بِحُسْنِ مُجَاوِرَتِهَا وَالتَّمَسُّوا الزِّيَادَةَ فِيهَا بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا؛ از نعمت های الهی با حُسن مجاورت و استفاده صحیح استقبال کنید و فزونی آن را با شکر برای آن از خداوند درخواست نمایید» (1).

### دو مطلب بسیار مهم

امام هادی (علیه السلام) در این روایت ارزشمند به دو مطلب مهم اشاره کرده است: حسن مجاورت با نعمت های پروردگار، و درخواست ازدیاد آن از کانال شکر نعمت. و این یک مطلب کاملاً منطقی است.

توضیح این که: باغبانی را در نظر بگیرید که باغی را با انواع گیاهان و درختان پرورش داده، و برای آن فوق العاده زحمت می کشد. اگر باغ باطراوت باشد و سایه و گل و میوه ای داشته باشد

ص: 96

باغبان تلاش خود را برای حفظ و حراست و آبیاری و دفع آفات و کوددهی آن بیشتر می کند و در نتیجه محصول باغ دوچندان می شود، اما اگر درختان و گیاهان آن را پژمرده ببیند و طراوت و شادابی ای در آن ها نبیند و ثمر و میوه ای از آن نچیند، دست از حمایت و نگهداری و آبیاری آن ها برداشته و چوب های خشک را به آتش می سپرد.

خداوند متعال نیز باغبان عالم هستی است، لذا در آیه شریفه 17 سوره نوح می خوانیم: (وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا)؛ «و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین می رویاند».

یعنی عالم انسانیت در قرآن مجید تشبیه به باغ بزرگی شده که باغبان آن خداوند است.

### **شکر نعمت افزون کند**

بنابراین، اگر باغبان عالم هستی نعمتی به ما داد و ما با آن خوب رفتار کردیم و همسایگان خوبی برای آن بودیم و حق و حقوق الهی را به جا آوردیم و از آن در راه خدا انفاق کردیم و آن را در مسیر طاعت الهی به کار گرفتیم و در زبان و عمل شکر آن را ادا کردیم، خداوند هم آن را افزونی می بخشد.

اما اگر همچون درختی خشک و بی طراوت بودیم که نه میوه و ثمری و نه برگ و باری و نه حتی سایه ای داشتیم چاره ای جز قطع کردن و سوزاندنش باقی نمی ماند.

## خداوند حکیم است

نکته مهم این است که بدانیم خداوند حکیم است و روی حساب کار می کند. هر نعمتی که به هرکس می دهد و هر آنچه از هرکس می گیرد همه براساس حکمت است. نعمت هایی که براساس لیاقت به انسان ها می دهد نه امتحان، اگر انسان ها لیاقتشان را تثبیت کنند بی شک آن را زیاد خواهد کرد و اگر خود انسان ها نشان دهند که لیاقت آن نعمت ها را ندارند، از آن ها سلب می کند.

## نعمت نظام اسلامی

خداوند متعال در سال 1357 نعمت بزرگی به نام نظام اسلامی به ملت شریف ایران داد که البته مشکلات و ناملايمات و هزینة های سنگینی داشت و مردم بزرگ ما ثابت کردند که لیاقت این نعمت عظمی را دارند، لذا خداوند آن را پرورش داد و روزه روز بر عظمت آن افزود و ما بعد از سه دهه همچنان توفیق استفاده از آن را داریم.

خدایا! ما را قردان نعمات خود قرار بده و آن ها را از ما مگیر.





اشاره

امام هادی (علیه السلام) خطاب به یکی از دوستانش فرمود:

«عَاتِبْ فُلَانًا وَقُلْ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا إِذَا عُوِقِبَ قَبْلَ؛ فُلَانِ كَسَ رَا سِرْزَنَش كُن (در حدیث به عملی که مستحق سرزنش بوده اشاره نشده است) و به او بگو: هرگاه خداوند برای بنده ای خیر بخواهد، چون توبیخش کند (آن بنده) بپذیرد (و لجاجت نوزد)» (1).

ارتباط لجاجت با گناهان دیگر

نکته مهمی که در این حدیث به آن اشاره شده این است که انسان در برخورد با خطاها و اشتباهاتش نباید لجاجت به خرج دهد، بلکه اگر به او تذکری دادند، یا او را سرزنش کردند، بپذیرد و آن کار زشت را تکرار نکند؛ چون اگر لجاجت کند و در مقام توجیه برآید به ناچار آلوده اشتباهات و خطاهای دیگر از جمله گناه

ص: 100

بزرگ دروغ می شود و چنانچه این کار را تکرار کند و در پی هر خطایی به لجاجت پناه ببرد، در وادی ضلالت گرفتار خواهد شد. برخلاف کسی که اشتباهش را می پذیرد و مورد لطف خدا قرار می گیرد.

### ثمرات شوم لجاجت

یکی از بلاهای مهم زندگی بشر در تمام سطوح، به ویژه در خانواده ها و بین زن و شوهرها همین لج بازی های نابخردانه است که عواقب سوء و ثمرات بسیار بدی دارد و گاه به از هم پاشیدن خانواده ها می انجامد، در حالی که اگر زن و شوهر، هریک اشتباه خود را بپذیرد و درباره آن اصرار و لجاجت نورزد، مشکل به راحتی حل می شود و کام هیچ کدام از آن ها تلخ نمی گردد.

### نتیجه ترک لجاجت حضرت آدم (علیه السلام)

در آغاز خلقت، حضرت آدم (علیه السلام) مرتکب خطا (ترک اولی) شد، اما لجاجت نکرد و بر اشتباهش اصرار ننمود، بلکه به همراه همسرش به درگاه الهی رفته و راه توبه را در پیش گرفتند و خطاب به خداوند عرض کردند: (رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ)؛ «پروردگارا! ما به خویشتن ستم

ص: 101

کردیم؛ و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، به یقین از زیان کاران خواهیم بود» (1).  
خداوند متعال هم توبه اش را پذیرفت و آن کلمات را به او تعلیم کرد و او نجات یافت.

### نمره لجاجت ابلیس

ابلیس برعکس او عمل کرد. پس از نافرمانی خداوند، راه لجاجت و خیره سری را در پیش گرفت و چون لجوج بود فقط بُعد مادی حضرت آدم (علیه السلام) را که خلقت او از خاک بود، دید، (2) اما از بعد معنوی وی که دمیده شدن روح الهی در وی بود غافل شد.

لجاجت، با ابلیس کاری کرد که نه تنها توبه نکرد بلکه از خداوند خواست به او مهلت دهد که تا روز قیامت در گناه تمام افراد بشر شریک و سهیم شود! (قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ). (3)

اگر به عواقب سوء و خطرناک لجاجت بیندیشیم، لجاجت را به طور کامل کنار گذاشته و زندگی مان را شیرین خواهیم کرد.

ص: 102

---

1- سوره اعراف، آیه 23.

2- سوره حجر، آیه 33.

3- سوره حجر، آیه 36.



امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ آمَنَ مَكْرَ اللَّهِ وَ أَلِيمَ أَخْذِهِ تَكَبَّرَ حَتَّى يَجِلَّ بِهِ قَضَائُهُ وَ نَافِذُ أَمْرِهِ؛ هر کس خود را از مجازات الهی ایمن بداند تکبر می ورزد (و آن قدر به این اخلاق رذیله ادامه می دهد) تا قضا و فرمان نافذ الهی بر سرش فرود آید». (1)

### معنای «مکر»

مکر سه معنی دارد:

1. کارهای مرموز و مودیانه؛ مکر در میان عامه مردم به این معناست. مردم به کسی که کارهای توطئه آمیز و برنامه های مرموزی انجام می دهد مکار می گویند.

2. تدبیر و چاره اندیشی؛ هنگامی که مکر در مورد خداوند استعمال می شود به این معناست. بنابراین، آیه شریفه (وَمَكْرُوا

ص: 104

---

1- فرهنگ جامع سخنان امام هادی (علیه السلام)، ص 426، ح 355.

وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ(1) به این معناست که خداوند بهترین تدبیرکنندگان است.

3. مجازات؛ یکی دیگر از معانی مکر، مجازات است و در حدیث مورد بحث به همین معناست.

آری، کسی که خود را از مجازات الهی ایمن بداند آلوده تکبر می شود و به قدری در این باتلاق دست و پا می زند تا مجازات الهی بر سرش نازل شود.

### ایمن از مکرالله!

یکی از صفات مذموم و اخلاق رذیله احساس ایمن بودن از مکرالله است، یعنی دست به معصیت و نافرمانی خداوند بزند و معتقد باشد خداوند مجازاتش نمی کند. این کار زشت، سبب عصیان و تکبر می شود و انسان به فکر توبه نمی افتد؛ مگر زمانی که آثار عذاب الهی نمایان و آشکار شود که در آن زمان توبه پذیرفته نمی گردد. اگر خداوند متعال توبه فرعون جبار و ستمگر را نپذیرفت به این علت بود که تا قبل از غرق شدن توبه نکرد و در آستانه نزول عذاب الهی به فکر توبه افتاد که فایده ای نداشت.(2)

ص: 105

---

1- سوره آل عمران، آیه 54؛ ترجمه: «و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش) توطئه کردند؛ و خداوند (برای حفظ او و آیینش) تدبیر نمود و خداوند، بهترین تدبیرکنندگان است».

2- سوره یونس، آیه 90.

کسانی که خود را از مکر الهی ایمن می دانستند و گرفتار عذاب پروردگار شدند فراوان اند و هریک از ما و شما نمونه های متعددی از آن را دیده ایم.

صدام حسین طاعی و ستمگر، رئیس جمهور عراق، از جمله این افراد بود. وی تصوّر نمی کرد که روزی در چنگال عذاب الهی گرفتار شود، لذا به حدّ اعلای تکبر رسید، اما عاقبت این طاغوت سرکش به جایی رسید که وی را در قفسی گذاشته و محاکمه کردند و با وضع ذلّت باری اعدام شد!

نمونه دیگر آن قذافی جانی و طغیان گر، رئیس جمهور لیبی بود. شخصی که کارهای عجیب و غریبی می کرد؛ تمام محافظانش را از زنان انتخاب می کرد؛ برای حفظ سلامتی اش همواره از شیر تازه شتر بهره می گرفت؛ حتی در سفرهای خارجی شتر همراه خود می برد تا بتواند از شیر تازه آن استفاده کند؛ و لباس های عجیب و غیر متعارفی می پوشید، ولی عاقبت، با وضع فلاکت باری به قتل رسید!

در کشور خودمان، پهلوی پدر و پسر نیز خود را از مکر و مجازات خدا در امان می دانستند، اما در پایان، پهلوی پدر به جزیره ای تبعید شد و با وضع رقت باری مرد و کار پسر هم به جایی رسید که هیچ کشوری او را نمی پذیرفت و هر روز آواره کشوری می شد!

امام هادی (علیه السلام) در ادامه روایت فرمودند: «وَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ

رَبِّهِ هَانَتْ عَلَيْهِ مُصِيبَاتُ الدُّنْيَا؛ و کسی که خدا را خوب بشناسد و دلیل محکمی برای عقیده اش داشته باشد، مصائب دنیا برای او سبک و آسان می شود».

کسی که ایمان داشته باشد که غیر خدا، هرکه باشد، فانی است و تنها خداوند باقی است و باید به او پیوست تا بقاء به بقاء الله پیدا کند، سختی ها و مشکلات برای وی آسان می گردد.

بعضی تعجب می کنند که چطور حضرت علی (علیه السلام) دنیا را بی ارزش تر از برگ جویده شده در دهان ملخی می داند: «وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا»<sup>(1)</sup> در حالی که این نوع نگاه به دنیا برای کسی که خداوند را به عظمت شناخته و دنیا را در گذر می داند و آخرت را سرای زندگی جاودانه، تعجب ندارد. در ضمن از این روایت استفاده می شود که اعتقاد به خدا آرام بخش است و علاوه بر ثواب های اخروی، برای دنیا نیز مفید خواهد بود.

ص: 107

---

1- نهج البلاغه، خطبه 224، ج 2، ص 228.



### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «الزَّكِبُ الْحَرُونَ أَسِيرٌ نَفْسِهِ، وَالْجَاهِلُ أَسِيرٌ لِسَانِهِ؛ سواری که عجز و شتاب زده حرکت می کند اسیر هوای نفس است و انسان جاهل همواره اسیر زبانش می باشد». (1)

### معنای «اسیر»

هنگامی که واژه «اسیر» به کار می رود کسی را تصور می کنیم که او را به حق یا به ناحق گرفته و به زندان انداخته اند؛ چه زندان انفرادی و چه غیر انفرادی؛ چه به دست و پایش غل و زنجیر بزنند و چه نزنند و به هر حال ارتباطش با دیگران قطع شده و نمی تواند هر جا که مایل باشد برود.

اما از نظر فرهنگ اسلامی اسیرانی داریم که ظاهراً آزادند، ولی در حقیقت از هر اسیری اسیرترند. در داستان حضرت یوسف (علیه السلام)،

ص: 108

هنگامی که می خواستند روح و روان آن حضرت را اسیر غل و زنجیر شهوات و هوای نفس کنند، و او را تهدید به زندان تن کردند، خطاب به محبوب و معبودش عرضه داشت:

(رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ)؛ «پروردگارا! زندان نزد من محبوب تر است از آنچه این ها مرا به سوی آن می خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آن ها را از من بازگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!». (1) آری، یوسف پیامبر (علیه السلام) اسارت تن را بر اسارت روح ترجیح داد و این درس بزرگی برای همگان است.

### اسیران هوای نفس

متأسفانه اسیران هوای نفس و جهالت و نادانی، که امام هادی (علیه السلام) در این روایت به آن ها اشاره کرده، فراوان اند. گاه می گویند: «دوست داریم از دام اعتیاد رها شده و این بلای خانمان سوز را رها کنیم، اما نمی توانیم!» یا ادعا می کنند: «دوست داریم به کسب حلال پرداخته و از مال حرام صرف نظر کنیم؛ اما قادر به انجام این کار نیستیم!» گویا اراده چنین افرادی را در غل و زنجیر کرده اند، لذا اسیر هوای نفس خویش اند و کار دیگری نمی توانند بکنند یا می گویند: «دوست داریم هر سخنی نگوئیم

ص: 109

---

1- سوره یوسف، آیه 33.

و زبانمان را قفل و بند بزنیم، اما موفق نمی شویم!» چراکه اراده شان اسیر هوای نفس آن هاست.

حضرت علی (علیه السلام) در دعای کمیل چه زیبا به این نکته مهم پرداخته است، آن جا که می فرماید: «قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي؛ پروردگارا! برای توفیق یافتن در مسیر خدمت به تو (و بندگانت) قوت و قدرتم را افزون کن و اراده ای قوی و پولادین عنایتم فرما تا اسیر هوای نفس نشوم و بتوانم تصمیم بگیرم».<sup>(1)</sup>

به راستی بدون اراده قوی و نیرومند و به دور از هوی و هوس و آزاد بودن از زندان روح و جان، نمی توان در خدمت خدا بود.

ص: 110

---

1- المفاتيح الجديدة، ص 72.



امام هادی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ وَ مَنْ أَسَخَطَ الْخَالِقَ فَلْيَتَّقِنِ أَنْ يَحِلَّ بِهِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ؛ کسی که در مسیر اطاعت خالق گام برمی دارد اعتنایی به خشم مخلوق نمی کند، و کسی که خداوند را به خشم آورد یقین داشته باشد که خداوند خشم مخلوق را متوجه او خواهد کرد»<sup>(1)</sup>.

کارهایی که انسان انجام می دهد بر دو گونه است:

### 1. رضایت مخلوق در عرض رضایت خدا

در بعضی از کارها، هم رضایت خداوند وجود دارد و هم رضایت خلق خدا. ساختن مسجد، حسینیه، درمانگاه، خانه سالمندان، بیمارستان، دارالایتام، کتابخانه و مانند آن، از این قبیل است.

ص: 112

---

1- تحف العقول، ص 361؛ بحار الانوار، ج 71، ص 182، ح 41 و ج 78، ص 366، ح 2.

## 2. رضایت خالق و خشم مخلوق

بعضی از کارها موجب جلب رضایت خداست، اما خشم مخلوق را در پی دارد. مشکل در جایی است که رضایت خالق و مخلوق در دو قطب مخالف قرار می‌گیرد؛ این جاست که انسان‌ها آزمایش می‌شوند. آیا در چنین دوراهی‌هایی، به سوی جلب رضایت مخلوق می‌رود و سخط خالق را به جان می‌خرد، یا هدفش جلب رضای خالق است و باکی از خشم مخلوق ندارد؟ معیار شرک و ایمان همین مطلب است.

امام هادی (علیه السلام) می‌فرماید: کسانی که به دنبال جلب رضای خالق اند، کاری به رضای مخلوق ندارند. چنین افرادی در مجالس گناه شرکت نمی‌کنند چون معبودشان آن را نمی‌پسندد، هرچند ناخوشایند مخلوق باشد. در عروسی‌های آمیخته با گناه حاضر نمی‌شوند تا رضای خدای خویش را جلب کنند، هرچند مستلزم سخط بنده خدا گردد.

## دموکراسی غربی و مردم سالاری اسلامی

دموکراسی غربی به دنبال جلب رضایت خلق خداست. آنها پیشنهاد می‌کنند که برای جلب آراء مردم باید تابع و دنبال رو مردم شد و آنچه را که آنها می‌خواهند به آن‌ها داد، هرچند خلاف دین و اخلاق باشد، لذا برای جلب آراء همجنس‌بازان به آن‌ها وعده

می دهند که در صورت رسیدن به قدرت، این کار بسیار زشت را قانونی کنند!

اما دموکراسی اسلامی در عین احترام به آراء مردم، اگر عده ای از آنان به خطا رفتند و منحرف شدند درصدد هدایت آن ها برمی آید و تسلیم آن ها نمی شود، لذا حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ؛ در طریق هدایت از کمی طرفداران آن وحشت نکنید».(1)

در مسیر حق از کمی همراهان نترس و تابع اکثریت باطل مشو؛ بلکه آنها را به راه حق دعوت کن تا در نهایت، آن ها پیرو تو شوند.

اساساً پیامبران برای همین آمدند. آن ها در ابتدای کار تنهای تنها بودند، اما وحشتی از تنهایی به خود راه نداده و رضای خدا را بر رضای مردم مقدم داشتند و خداوند هم به آن ها کمک کرد تا پیروز شدند.

حدیث شریف «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ»(2) که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده، ناظر بر همین مطلب است که دنبال رو بدعت گذاران مباش بلکه آن ها را هدایت کن.

ص: 114

---

1- نهج البلاغه، خطبه 201، ج 2، ص 372.

2- میزان الحکمة، ج 1، ص 359، باب 338، ح 1759؛ ترجمه: «هنگامی که بدعت ها در میان امت من آشکار شد بر دانشمندان لازم است با آن مبارزه کنند» و در ادامه حدیث فرمود: «و هر کس به وظیفه خود عمل نکند، لعنت خداوند بر او باد».





## اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «المرء یفسد الصداقة القديمة، و یحلل العدة الوثیقة، و اقل ما ف نایه ان تكون فيه المغالبة، و المغالبة اسباب القطیعة؛ مرء، دوستی قدیمی و پابرجا را فاسد کرده و بر هم می زند و رابطه محکم بین دو نفر را می گسلد و کمترین مفسده آن برتری جوئی است و برتری جوئی عامل اصلی قطع رابطه هاست» (1).

## تفسیر «مرء»

برای مرء در لغت سه تفسیر ذکر شده است:

1. از واژه «مرء» به معنای شک گرفته شده است. یعنی شخص مرء کننده با سخنانش قصد دارد در طرف مقابل ایجاد شک و تردید کند.
2. معنای دیگر آن انکار حق است. مرئی قصد دارد در سایه مرء حقی را منکر شود.

ص: 116

1- بحار الانوار، ج 78، ص 369، ح 4.

3. معنای سوم آن مجادله به منظور غلبه بر طرف مقابل است. یعنی سخنانی بگوید که او را شکست دهد، آبرویش را ببرد و خود را برتر جلوه دهد.

### جدال ممدوح و مذموم

مجادله در قرآن مجید آمده و بر دو قسم است:

1. جدال حسن، که خداوند در مورد آن می فرماید: (وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. (1)

یعنی بحث و گفتگوی دوستانه و منطقی و سؤال و جواب برای روشن شدن حقیقت ممنوع نیست، لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور شد با مخالفان با منطق محکم و استدلال صحیح گفتگو کند، تا پرده از حقایق برداشته شود.

2. جدال مذموم، که هدف از آن انکار حق و به کرسی نشاندن باطل، یا حمایت بدون دلیل و بی چون و چرا از کسی است که همه این ها مصداق مراء باطل است. مانند این که در بحث و گفتگو می دانم طرف مقابل حقیقت مسأله را فهمیده، ولی آن قدر بحث را طولانی می کنم تا اعتراف به شکست خود کند، که این کار، حرام و از گناهان کبیره است.

ص: 117

در بحث های علمی نیز باید بسیار مراقب باشیم. وقتی بحث روشن شد آن را قطع کرده و ادامه ندهیم؛ هرچند طرف مقابل در ظاهر آن را نپذیرفته باشد.

اگر همین یک دستور در میان دولت ها، ملت ها و شخصیت ها، احزاب و گروه ها و مجامع علمی رعایت شود و هدف همه کشف حقیقت و روشن شدن واقعیت باشد، نه مغلوب کردن طرف مقابل، بسیاری از مشکلات رخت برمی بندد. مبدا مَثَل ما مَثَل افرادی باشد که وقتی طایفه خود را در حال درگیری با طایفه دیگری دیدند چاقوهای خود را درآورده و وارد نزاع شدند و عده ای را مجروح و مصدوم کردند و پس از ختم دعوا و به هنگام شستن خون چاقوهای خود می گفتند: «ما که نفهمیدیم دعوا بر سر چه چیزی بود!»

خداوندا! به همه ما توفیق تلاش برای کشف حقیقت، و ترک مرأ و انکار حق و ایجاد شک و تردید و غلبه بر طرف مقابل، عنایت فرما!



اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «لَوْ سَلَكَ النَّاسُ وَادِيًا وَشِعْبًا لَسَّ لَمَكْتُ وَادِي رَجُلٍ عَبَدَ اللَّهَ وَحَدَّهُ خَالِصًا مُخْلِصًا؛ اگر (همه) مردم مسیری (غیر الهی) را انتخاب کنند و (تنها) یک نفر خالصانه در مسیر پرستش الهی گام بردارد و مخلصانه خدای یکتا را پرستد، من به دنبال او می روم!» (1).

کدام راه؟

مسأله مهمی در جوامع انسانی وجود دارد که هم به صورت عام در زندگی اجتماعی دیده می شود، و هم به شکل خاص رؤیت می شود و آن این که: گاه انسان در محیطی وارد می شود که همه خطا می روند و از مسیر طاعت الهی خارج شده اند، در چنین مواردی باید هم‌رنگ جماعت شود، یا گام در راهی بگذارد که آن را حق و صواب تشخیص می دهد؟

ص: 120

---

1- التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (علیه السلام)، ص 329، ح 187.

برای رسیدن به پاسخ این سؤال، نگاهی به تاریخ پیامبران و بزرگان دین لازم است.

## نگاهی به تاریخ سه پیامبر بزرگ

هنگامی که ابراهیم بت شکن (علیه السلام) در میان قومش ندای توحید و یکتاپرستی سرداد و شجاعانه مظاهر شرک و بت پرستی را درهم شکست هیچ کس موحد نبود و همه مردم در راه بت پرستی قدم گذاشته بودند، اما آن پیامبر بزرگ به جمله «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» اعتنایی نکرد و در وادی عبادت و اطاعت خدای یکتا گام نهاد و پیروز شد.

مردم مصر در عصر فرعون همه مشرک بودند. حضرت موسی (علیه السلام) ندای توحید را سرداد و فقط برادرش او را همراهی می کرد و بعدها مؤمن آل فرعون هم به آن ها پیوست. این پیامبر عظیم الشان به کمک این دو نفر به مقابله با مدعی الوهیت و خدایی، فرعون ستمگر رفت و آن قدر مبارزه را ادامه داد و از کثرت فرعونیان نهرا سید تا بالاخره به ظفر دست یافت.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) با شعار «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا»<sup>(1)</sup> در مرکز شرک و بت پرستی قیام کرد و بدون ترس و واهمه از جمعیت انبوه و پر قدرت بت پرستان، توحید و یگانه پرستی را مطرح ساخت

ص: 121

---

1- بحار الانوار، ج 18، ص 202، ح 32.

و در مقابل چشم آنان به همراه اولین مرد و زن مؤمن، حضرت علی (علیه السلام) و حضرت خدیجه (علیها السلام)، (1) در مسجدالحرام به نماز ایستاد و به راز و نیاز با خالق خویش پرداخت و بذر توحید را پاشید. این شجاعت و اخلاص و شهامت با چاشنی صبر و استقامت و پشتکار، نتیجه داد و پس از فتح مکه مسلمانان، بی شمار شدند و تعداد مشرکان انگشت شمار شد، و اکنون آن نماز جماعت سه نفری تبدیل به نماز جماعت میلیونی شده است!

## پیروی از حق در عصر و زمان ما

در عصر و زمان ما، هنگامی که امام خمینی (رحمه الله) قیام کرد، یاران معدودی داشت، ولی از قدرت و شوکت و نفرات طاغوت نهراسید و به مبارزه ادامه داد تا بالاخره پیروز شد و انقلابش را به جهان صادر کرد.

ما هم در جلسات خصوصی باید پیامبرگونه رفتار کرده و از منطق آن حضرت پیروی کنیم. اگر وارد مجلسی می شویم که خدای ناکرده همه غیبت می کنند، یا دروغ می گویند یا تهمت می زنند، یا شراب می خورند، یا شایعه می سازند، یا مواد مخدر مصرف می کنند؛ مرعوب آن ها نشده و به جلب رضای خدا بیندیشیم، و آن جا را ترک کنیم. از تنهایی نترسیم، زیرا کسی که با خداست تنها نیست، (الْیَسَّ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا). (2)

ص: 122

---

1- بحار الانوار، ج 18، ص 208، ح 37.

2- سوره زمر، آیه 36.

حتی ضعیف هم نیست. در چنین مواقعی به یاد آن جمله زیبای مولای متقیان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بیفتیم که فرمود:  
«لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهَدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ؛ در مسیر هدایت از کمی سالکان آن وحشت نکنید».<sup>(1)</sup>

و با توکل بر خدا و عزمی راسخ و گام هایی استوار در مسیر حق قدم برداریم و فریب اکثریت خطاکار و منحرف را نخوریم.

اگر جوان دانشجوی مسلمان به دلیل ضرورت ها ناچار شود در کشورهای غیر اسلامی ادامه تحصیل بدهد و در کلاس درس او خبری از اسلام و احکام اسلامی نیست، مرعوب آن ها نشود و با استعانت از خدا و توسل به حضرات معصومین (علیهم السلام) راه حق و حقیقت را بیمایند که خداوند تنهایش نخواهد گذاشت و چه، بسا دیگران را هم جذب اسلام کند.

نتیجه این که در محیط های فاسد و مجالس آلوده، خود را نباخته و تابع اکثریت گنهکار نشویم و مسیر حق را طی کنیم.

ص: 123

---

1- نهج البلاغه، خطبه 201، ج 2، ص 372.



اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «الْحَسَدُ مَا حَقَّ الْحَسَنَاتِ، وَالزَّهْوُ جَالِبُ الْمَقْتِ، وَالْعُجْبُ صَارِفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ دَاعٍ إِلَى الْغَمَطِ وَالْجَهْلِ وَالْبُخْلِ أَدَمُّ الْأَخْلَاقِ، وَالطَّمَعُ سَدِّجِيَّةٌ سَدِّيَّةٌ؛ حَسَادَتِ نِيكِي هَا رَا مَحُو كَرْدَه وَاذ بَيْن مِي بَرْد، و خُود بَر تَر بِنِي سَبَبِ خَشْمِ مَرْدَمِ مِي شُود، و خُود پَسَنْدِي اِنْسَانِ رَا اَز تَحْصِيلِ عِلْمِ بَا ز دَا شْتَه، سَبَبِ تَحْقِيرِ دِيْگَرَانِ مِي شُود و جَهَالْتِ رَا دَر پِي دَارْد، و بَخْلِ و نَادَانِي مَذْمُومِ تَر بِنِ رَذِيلَه هَا يِ اخْلَاقِي هَسْتَنْد، و طَمَعِ و رَزِيدِنِ جَزْءِ رَذَائِلِ اخْلَاقِي مَحْسُوبِ مِي شُود» (1).

به چند نکته درباره این روایت ارزشمند توجه فرمایید:

1. دوره فشرده اخلاق اسلامی

این روایت کوتاه یک دوره فشرده اخلاق اسلامی است. امام

ص: 124

هادی (علیه السلام) انگشت روی شش رذیله اخلاقی گذاشته که ترک آن ها انسان را به اوج قلّه اخلاق می رساند. اگر انسان در سایه جهاد با هوای نفس و تلاش و کوشش، موفق شود حسادت و خودبرتربینی و خودپسندی و جهالت و بخل و طمع را از وجود خویش ریشه کن کند، بی شک انسانی نمونه خواهد شد.

## 2. تفاوت خودبرتربینی با چند رذیله دیگر

در بحث تکبر مفاهیمی وجود دارد که بسیار نزدیک به یکدیگرند، اما تفاوت های ظریفی دارند. «خودبرتربینی»، «خودپسندی»، «خودشیفتگی» و «خودبزرگ بینی» از این قبیل اند. «خودبزرگ بینی» این است که خود را بزرگ می بیند و «خودبرتربینی» این است که خود را در مقایسه با دیگران بالاتر و بالاتر تصور می کند. انسان «خودپسند» از خودش خوشش می آید و «خودشیفته» عاشق خود می باشد و البته منشأ همه این ها تکبر است.

## 3. خودبرتربینی، مانع تحصیل علم

سؤال: چرا انسان خودبرتربین به دنبال علم و دانش نمی رود؟

جواب: زیرا کسی را عالم تر و آگاه تر از خود نمی بیند که در نزدش زانوی تلمّذ بر زمین زند! انسانی که مبتلا به رذیله خودبرتربینی شده خود را برتر و عالم تر از همه عالمان می بیند و این تفکر سبب رکود او می شود.

ص: 125

#### 4. نادانی و بخل!

امام هادی (علیه السلام) در این روایت ارزشمند، نادانی و بخل را جزء مذموم ترین رذیله های اخلاقی شمرده است؛ چراکه این دو، سرچشمه رذیله های دیگر می شوند، لذا انسان های جاهل و طماع مشکلات اخلاقی فراوانی دارند.

#### 5. تلاش فراوان برای مبارزه با رذایل اخلاقی

هرچند برطرف کردن هر یک از این رذیله های اخلاقی شش گانه سبب می شود که انسان مدارج زیادی از کمال را طی کند، اما ریشه کن کردن آن ها کار ساده ای نیست، گاه باید چندین سال زحمت کشید تا به مقصد رسید.

باید از خداوند متعال عاجزانه بخواهیم تا به ما کمک کند که این رذایل را از خود دور کرده، متخلّق به فضایل اخلاقی شویم.



## اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «الْغِنَاءُ قَلَّةٌ تَمَّتْ وَ الرِّضَا بِمَا يَكْفِيكَ، وَالْفَقْرُ شِدَّةُ النَّفْسِ وَ شِدَّةُ الْقُنُوطِ؛ غنا و بی نیازی، کم کردن آرزوهایت و راضی بودن به مقداری که به آن نیازی داری است و فقر حقیقی، حرص درونی و شدت ناامیدی از رسیدن به خواسته هاست».(1)

یکی از مسایل مهم زندگی بشر، فقر و غناست. این دو واژه یک تفسیر معمولی دارد و یک تفسیر هم اسلام برای آن ارائه کرده است.

## تفسیر دیگران از فقر و غنا

در تفسیر معمولی، پول بیشتر و دارایی افزون تر نشانه غناست و فقیر به کسی می گویند که درآمد و دارایی چندانی نداشته باشد. این تفسیری است که همه دنیا به آن معتقدند و گاه با چنین فقری مبارزه می کنند.

ص: 128

---

1- بحارالانوار، ج 75، ص 109، ح 12 و ج 78، ص 368، ح 3.

اما اسلام فقر و غنا را مربوط به امور مادی و جسم انسان نمی داند، بلکه آن را مربوط به شئون روح می شمرد، لذا کسی را که زندگی متوسطی دارد، ولی به آنچه دارد قانع است ثروتمند می شمرد؛ اما کسی را که زندگی پرزرق و برقی دارد و صاحب اموال و دارایی های فراوانی است، ولی حرص و ولع، او را رها نمی کند و در پی اموال بیشتری است فقیر می داند.

به تعبیر دیگر، غنا و فقر همانند سیری و گرسنگی معمولی است. یک نفر با یک پرس غذا سیر می شود، اما نفر دیگر چند پرس غذا هم که می خورد سیر نمی شود. امام هادی (علیه السلام) در این حدیث زیبا به همین تفسیر فقر و غنا اشاره می کند که اگر دامنه آرزوهایت را کوتاه کنی و به زندگی ساده و معتدل قانع باشی، فرد غنیّی و بی نیازی خواهی بود، ولی اگر حریص باشی و هر چه به تو بدهند باز تقاضای اموال بیشتری داشته باشی، انسان فقیری خواهی بود.

### ساده زیستی بهترین راه مقابله با دشمن

در شرایطی که دشمن از هرسو به مسلمانان فشار می آورد و با وضع انواع تحریم ها سعی در تسلیم کردن مسلمانان دارد، یکی از بهترین روش های مقابله با دشمن، ساده زیستی است. اگر زندگی ها، ازدواج ها، جشن ها، سفرها، زیارت ها، و مراسم مختلف ساده برگزار گردد، به راحتی می توان از این نقشه دشمن نیز به سلامت گذشت.

و بالعکس، اگر زندگی‌ها پر زرق و برق و همراه با ریخت و پاش و اسراف و تبذیر باشد، بلا نازل می‌شود. هم بلای وابستگی، هم بلای آلودگی؛ آلودگی به مال حرام، ربا، رشوه، تقلب، احتکار، گران‌فروشی، غصب حقوق دیگران، پایمال کردن اموال یتیمان. خلاصه این که زندگی پر زرق و برق را نمی‌توان پاک نگه داشت، لذا دشمن عمداً هر روز ابزاری تولید می‌کند تا ما را به خود وابسته سازد. باید با ساده‌زیستی و قناعت، هم نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرد، هم وسوسه‌های شیطان را خنثی نمود و هم عزت و آبرو و افتخار و استقلال به دست آورد.

ص: 130





اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الْعُقُوقُ يُعَقِّبُ الْقَلَّةَ وَتُؤَدِّي إِلَى الذُّلَّةِ؛ نارضایتی پدر و مادر سبب فقر و ذلت فرزند می شود» (1).

تجربه هم نشان داده آنها که با پدر و مادر درمی افتند عاقبت خوبی ندارند؛ از نظر اقتصادی فقیر می شوند و در میان مردم خوار و ذلیل می گردند و جایگاه اجتماعی خود را از دست می دهند.

علل تیرگی روابط فرزندان و والدین

در عصر و زمان ما روابط پدران و مادران با فرزندان غالباً روابط حسنه ای نیست و این مطلب دلایلی دارد:

1. نگاه حقارت آمیز

هرکدام به دیگری به چشم حقارت نگاه می کند. فرزندان

ص: 132

---

1- بحارالانوار، ج 78، ص 369، ح 3.

می گویند: «ما درس خوانده ایم و تحصیلات عالی داریم و والدین ما خبر ندارند که دنیا چه خبر است!» و والدین می گویند: «این ها بچه اند، تجربه کافی ندارند و سرد و گرم روزگار را نچشیده اند!»

این نوع دیدگاه سبب می شود به یکدیگر احترام نگذارند، اما اگر دیدگاه آن ها تغییر کند احترام یکدیگر را حفظ خواهند کرد. مثلاً فرزندان بگویند: «والدین پر تجربه هستند، سرد و گرم روزگار را چشیده اند و خوب و بد را می دانند». و والدین معتقد باشند: «فرزندانمان درس خوانده اند و اطلاعات جدید دارند و دارای شخصیت هستند».

## 2. سخت گیری ها

عامل دوم، سخت گیری های والدین بر فرزندان است. بعضی از پدرها و مادرها فرزندانشان را عبد ذلیل خود می دانند. حتی به هنگام ازدواج فرزندشان به این فکر می کنند که عروس یا داماد در زندگی شخصی والدین چه نقشی خواهد داشت؟ در حالی که باید مصلحت فرزند را در نظر بگیرند. سخت گیری های بی دلیل در تحصیل، انتخاب رشته، شغل، همسر و مانند آن باعث کدورت و سردی روابط می شود.

عکس این مساله نیز همین تبعات را دارد. سخت گیری های فرزندان در مورد والدین کار شایسته ای نیست. برخی از فرزندان معتقدند که هرچه آن ها می گویند باید والدین عمل کنند! در حالی

که گاه پدر و مادر از نظر مالی توان انجام آن کار را ندارند، یا آن را به مصلحت فرزندان نمی دانند.

آری، اگر هرکدام به دیگری به چشم حقارت نگاه کند و درباره یکدیگر سخت گیر باشند روابط تیره می شود، والدین ناراحت و ناراضی می شوند و گاه فرزندان از خانه فرار می کنند که خود مفسد زیادی در پی خواهد داشت.

### **وظیفه رسانه ها و دیگران**

رسانه ها به ویژه صداوسیما، خطبا و سخنرانان و خطیبان جمعه باید نقش روشنگری داشته باشند و روابط والدین و فرزندان را اصلاح کنند تا آن آثار سوء و مشکلات اجتماعی ایجاد نشود. صداوسیما جلسات کارشناسی بگذارد و ریشه های این بدبینی ها و ناسازگاری ها را بررسی کند و در اختیار مردم بگذارد تا سطح آگاهی آن ها در این زمینه بالا رود.

ص: 134



اشاره

یکی از اصحاب امام هادی (علیه السلام)، به نام حسن بن مسعود، می گوید: به سمت منزل امام (علیه السلام) حرکت کردم. در مسیر راه چند حادثه برایم رخ داد: 1. انگشتم وارونه شد. 2. مرد اسب سواری که از کنارم رد شد به من برخورد کرد و شانه ام آسیب دید. 3. از محیط شلوغی عبور می کردم لباسم آسیب دید. لذا خطاب به آن روز گفتم: «عجب روز شروری هستی خداوند شرّ تو را از من برطرف کن!» سپس خدمت امام (علیه السلام) رسیدم. آن حضرت که گویا از سخنان من مطلع شده بود، فرمود: «ای حسن! توباً ما در ارتباطی، گناهت را به گردن چیزی می اندازی که گناهی ندارد!».

حسن بن مسعود می گوید: من که به اشتباه خود پی برده و فهمیدم اشتباه کردم، گفتم: ای مولای من! از خداوند متعال طلب غفران و آمرزش می کنم. امام (علیه السلام) فرمود:

ای حسن! روزها چه گناهی دارند که آن ها را شوم می دانید؟

خداوند مجازات اعمالی را می کند که در ظرف این روزها انجام می دهید و ربطی به ایام ندارد».

«ما ذنبُ الايامِ حتّى صيرتُم تشتمونَ منها إذا جوزيتم باعمالِكُم فيها» (1).

## انتساب گناه به روزها

انتساب گناه و حوادث به روز و روزگار مسأله مهمی است که هم در ادبیات عرب دیده می شود و هم در فارسی؛ هم در نثر آمده و هم در نظم، گاه روزها را عامل آن می دانند؛ گاه به روزگار نسبت می دهند، گاه چرخ کج مدار را متهم می کنند. در علم روانشناسی این مطلب را فرافکنی می گویند. شخص برای تبرئه خویش گناهِش را به گردن دیگران می اندازد و این فرافکنی سبب می شود که به خطاها و اشتباهات و عیوب خود پی نبرد و اعمال و کردارش را اصلاح نکند.

شاعر عرب می گوید:

يعيب الناس كلهم زمانا \*\*\* و ما لزماننا عيب سوانا

نعيب زماننا و العيب فينا \*\*\* ولو نطق الزمان بنا هجانا

«همه مردم، زمان را معیوب می دانند در حالی که زمان عیبی جز ما انسان ها ندارد! ما از زمان عیب می گیریم در حالی که عیب از خود ماست و اگر زمان به سخن درآید به ما هجوم می آورد!» شب

ص: 137

و روز زمان ما چه تفاوتی با شب و روز زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد؟ تفاوتی بین شب و روز زمان ما با شب و روز زمان ظهور وجود ندارد، تفاوت آن فقط ما انسان ها هستیم. در ادامه می گوید:

و ان الذنب یترک لحم ذنب \*\*\* و یأکل بعضنا بعضاً عیاناً(1)

گرگ گوشت گرگ را نمی خورد اما بعضی از ما انسان ها آشکارا دیگران را غارت می کنیم.

بنابراین، نباید فرافکنی کنیم، نباید خودمان را فریب دهیم، نباید خود را گمراه کنیم. اگر دقت کنیم این کار در حقیقت نوعی شرک محسوب می شود زیرا به جای آن که بگوییم: «لا مؤثر فی الوجود الا الله» برای ایام تأثیری قائل شده ایم.

هنگامی که مشکل رخ می دهد به جای متهم کردن ایام، فکر کنیم چه کار نامناسبی انجام داده ایم که نتیجه اش آن مشکل شده است؟

من معمولاً ریشه یابی می کنم و غالباً اشکال را می یابم. حداقل به ترک اولایی بر می خورم که علت آن مشکل بوده است.(2)

ص: 138

---

1- امالی شیخ صدوق؛ ص 178، ح 6. شاعری فارسی زبان شعر فوق را (که ابان بن صلت از امام رضا (علیه السلام) از حضرت عبدالمطلب نقل کرده) به شکل زیر به فارسی برگردانده است: مردم همه از زمان خود عیب کنند\*\*\* عیبی نبود زمانه را جز خود ما ما عیب زمان کنیم و عیب از خود ماست\*\*\* گر نطق کند زمانه هجوش بر ماست از گوشت گرگ، گرگ پرهیزد و ما\*\*\* از گوشت هم خوریم عیان و بس بی پروا

2- به خاطره ای در این زمینه که در کتاب خاطراتی از استاد، ص 141 نقل شده، توجه فرمایید: در جریان حوادث عاشورای 1388 که عده ای اغتشاشگر به خیابان ها ریختند و به عاشورای حسینی، انقلاب اسلامی و ولایت فقیه توهین کردند، جوان دانشجوی فریب خورده ای به اعدام محکوم شد. سایت های ضد انقلاب شایعه کردند که این حکم بر اساس فتوای حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی صادر شده است؛ در حالی که چنین نبود و در این گونه مسائل خلأ قانونی وجود ندارد که از فتوای مراجع مشهور استفاده شود. تکذیب این خبر ظرافت ویژه ای می خواست، مشکلات مخصوص خود را داشت و بی زحمت نبود. پس از این که این داستان تکذیب شد و فروکش کرد، آقا فرمود: «در باره این مسأله فکر کردم، احتمال دادم این مشکل، مجازات اعمال خودم باشد. چون خبری را نقل کردم که یقینی نبود، هر چند با استناد به منبعش و به صورت غیرقطعی نقل شده بود. در آینده نباید تکرار شود!».

اگر فرافکنی شود، مقصّر اصلی که خودمان هستیم، به فراموشی سپرده می شود.

ص: 139



امام هادی (علیه السلام) به شخصی که در مدح و ثنای آن حضرت زیاده روی کرده بود فرمود: «أَقْبِلْ عَلَيَّ شَائِكَ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَلَقِ يَهْجُمُ عَلَيَّ الظَّنَّةَ، وَإِذَا حَلَلْتَ مِنْ أَخِيكَ فِي مَحَلِّ الثَّقَةِ، فَأَعْدِلْ عَنِ الْمَلَقِ إِلَى حُسْنِ النِّيَّةِ؛ دنبال کار خودت باش، چون تملق و چاپلوسی زیاد، باعث بدبینی من به تو می شود. هنگامی که به برادر مؤمنت اطمینان داری از تملق بپرهیز و به او خوش بین باش».<sup>(1)</sup>

### انگیزه متملقان

تملق یکی از بلاهای جامعه بشری از قدیم تا کنون است.

افراد بی شخصیت برای این که به مال و مقامی برسند اقدام به تملق و چاپلوسی کرده و شخص را بالاتر از حدش می ستایند. مثلاً برای کسی که معصوم نیست ویژگی های معصومین را بیان می کنند

ص: 140

و برای کسی که معصوم است ولی پیامبر نیست اوصاف پیامبری برمی شمردند، و برای پیامبر اوصاف خدایی ذکر می کنند. (1)

## پیامدهای چاپلوسی

تملق و چاپلوسی عیوب متعددی دارد که دو عیب بزرگ آن به شرح زیر است:

1. شخص مورد تملق، خود را گم می کند و کم و کم باورش می شود که آن چاپلوسی ها واقعیت دارد و در نتیجه خودبزرگ بین می شود. چنین شخصی تدبیر امور برایش مشکل می گردد، چون زمانی می تواند امور را تدبیر کند که خودش را در جای خود ببیند، لذا چنین افرادی دچار سوء تدبیر شده و جامعه را برهم می زنند.
- برخی، از تملق و چاپلوسی لذت هم می برند. شخصی که مورد تملق قرار گرفته بود می گفت: «می دانم آنچه فرد متملق می گوید دروغ است؛ اما از آن خوشم می آید».
2. افراد باشخصیت منزوی شده و افراد بی شخصیت سر کار می آیند. افراد متملق با تملق و چاپلوسی به پست و مقام می رسند و افراد باشخصیت که حاضر به چاپلوسی نیستند کنار می روند. لذا در روایات اسلامی این کار شدیداً مذمت شده است.

ص: 141

---

1- تملق نوعی غلو محسوب می شود و در روایات اسلامی به شدت از غلو نهی شده است. مرحوم علامه مجلسی در کتاب ارزشمند بحار الانوار، ج 25، ص 261 تا 328، نود و چهار حدیث درباره نفی غلو در مورد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل کرده است.

الف) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لَا خَيْرَ فِي الْمَلَقِ وَالْتَوَاضِعِ إِلَّا مَا كَانَ فِي اللَّهِ تَعَالَى أَوْ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ؛ خَيْرِي فِي چاپلوسی و فروتنی (بی جا) نیست؛ مگر در مواردی که به قصد رضای خدا یا در مقام طلب علم باشد». (1)

ب) امام علی (علیه السلام) فرمودند: «إِيَّاكَ وَالْمَلَقَ؛ فَإِنَّ الْمَلَقَ لَيْسَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيمَانِ؛ از چاپلوسی بپرهیز، که چاپلوسی از خصلت های ایمان نیست». (2)

ج) در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم: «إِنَّمَا يُجِبُّكَ مَنْ لَا يَتَمَلَّقُكَ وَيُثْنِي عَلَيْكَ مَنْ لَا يُسْمِعُكَ؛ تنها، کسی تو را دوست دارد که تملقت نمی کند و اگر تو را بستاید (ستایش هایش را) به گوشت نمی رساند». (3)

ص: 142

- 
- 1- میزان الحکمة، ج 8، ص 155، باب 3643، ح 19047.
  - 2- میزان الحکمة، ج 8، ص 155، باب 3643، ح 19048.
  - 3- میزان الحکمة، ج 8، ص 155، باب 3643، ح 19052.



راوی می گوید: از امام هادی (علیه السلام) پرسیدم: توبه نصوح (که در آیه هشتم سوره تحریم آمده) چیست؟ حضرت در پاسخ چنین نوشتند: «أَنْ يَكُونَ الْبَاطِنُ كَالظَّاهِرِ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ؛ توبه نصوح آن است که باطن انسان همچون ظاهرش، بلکه بهتر از آن باشد». (1)

### تفسیر «توبه نصوح»

در مورد توبه نصوح و چگونگی آن بحث های زیادی شده است. مفسران برای آن 23 تفسیر ذکر کرده اند، (2) که ما شش نمونه آن را در تفسیر نمونه (3)، ذیل آیه 3 سوره تحریم، آورده ایم.

ص: 144

1- بحار الانوار، ج 6، ص 22، ح 20.

2- تفسیر قرطبی، ج 10، ص 6676.

3- تفسیر نمونه، ج 24، ص 303، ذیل آیه 8 سوره تحریم؛ شش مورد مذکور به شرح زیر است: یک: «توبه نصوح» آن است که واجد چهار شرط باشد: پشیمانی قلبی، استغفار زبانی، ترک گناه، و تصمیم بر ترک در آینده. دو: «توبه نصوح» آن است که واجد سه شرط باشد: ترس از این که پذیرفته نشود، امید به این که پذیرفته شود، و ادامه اطاعت خدا. سه: «توبه نصوح» آن است که: گناه خود را همواره در مقابل چشم خود ببینی و از آن شرمنده باشی! چهار: «توبه نصوح» آن است که: مظالم را به صاحبانش بازگرداند، و از مظلومین حلیت بطلبد، و بر اطاعت خدا اصرار ورزد. پنج: «توبه نصوح» آن است که: در آن سه شرط باشد: کم سخن گفتن، کم خوردن، و کم خوابیدن. شش: «توبه نصوح» آن است که: توأم با چشمی گریان، و قلبی بیزار از گناه باشد... و مانند این ها، که همگی شاخ و برگ یک واقعیت است، و این توبه خالص و کامل است.

اما امام هادی (علیه السلام)، طبق آنچه در این روایت آمده، تفسیر دیگری ارائه کرده است، می فرماید: «توبه نصوح همسان کردن باطن با ظاهر، بلکه بهتر کردن باطن از ظاهر است».

### **نفاق، مشکل بزرگ انسان ها**

مشکل بزرگ انسان ها اختلاف ظاهر و باطن آن هاست. غالب افراد سعی می کنند ظاهر خود را آراسته و بی عیب نشان دهند، در حالی که باطنشان طور دیگری است؛ ولی در بعضی مواقع، ناخودآگاه، باطن خود را بروز می دهند، مثلاً در تنگناها، حوادث، سختی ها و مشکلات، مصائب و مانند آن عکس العمل هایی از خود بروز می دهند که نشانگر باطن آن هاست.

ص: 145

اولیای الهی باطنشان از ظاهرشان بهتر بود. اگر ما به این مرحله نرسیده ایم، لااقل کاری کنیم که باطنمان همانند ظاهرمان باشد.

این مطلب اختصاص به افراد ندارد؛ بلکه در مورد جوامع نیز صادق است. نباید باطن جامعه با ظاهرش فرق کند. ظاهر جامعه را نگاه می کنیم اسلامی است، اما در باطن مشکلات زیادی دارد و از مفسد فراوانی رنج می برد. آری، هرکس موفق به ترک گناهان شود و باطنش همچون ظاهرش یا بهتر از آن شود موفق به توبه نصوح شده است. امیدوارم خداوند به ما توفیق دهد که چنان باطنمان را بیاراییم که همیشه بهتر از ظاهرمان شود.

ص: 146





امام هادی (علیه السلام) فرمود: «گاه مؤمنی آخر شب برای عبادت به درگاه خداوند بر می خیزد. بر اثر خواب آلودگی سرش به سمت چپ و راست خم می شود و گاه چانه اش روی سینه اش قرار می گیرد. خداوند متعال به درهای آسمان دستور می دهد که گشوده شوند، سپس به فرشتگان می فرماید:

«انظروا إلى عبدي ما يصيبه في التقرب إلى بما لم افرض عليه راجياً مني لثلاث خصال: ذنباً اغفره، أو توبةً أجدها، أو رزقاً أزيده فيه، أشهدكم ملائكتي أنني قد جمعتهم له؛ نگاه کنید به این بنده من و این حالتی که برای تقرب به من پیدا کرده برای چیزی که بر او واجب نکردم. او از من سه چیز می خواهد: گناهایش را بیامرزم، توبه اش را بپذیرم و روزی اش را افزایش دهم. ای فرشتگان! شما را به گواهی می طلبم که من هر سه خواسته او را اجابت می کنم» (1).

ص: 148

## اهمیت راز و نیاز در سحر

تمام کسانی که راه سیر و سلوک و تقرب الی الله راه پیموده اند می گویند: «مسیر اصلی سیر و سلوک همان مسیر نماز شب است».

خداوند متعال خطاب به پیامبرش (صلی الله علیه و آله) فرمود: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً)؛ و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برساند». (1)

## راز اهمیت نماز شب

علت این که نماز شب این قدر مهم است و آثار فراوانی دارد، امور مختلفی است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

الف) آن زمان انسان تنهاست و هیچ احتمال ریاکاری نیست.

ب) شب استراحت کرده و پس از استراحت آمادگی بیشتری دارد.

ج) مزاحمتی وجود ندارد و حواس انسان جمع است. عوامل تفرقه حواس و حضور قلب، که در طول روز فراوان است، در دل شب نیست.

لذا نماز شب می تواند منشأ قرب الی الله گردد.

ص: 149

---

1- سوره اسراء، آیه 79.

برای طی مسیر قرب الی الله نیازی به استاد نیست، به ویژه که در عصر و زمان ما بعضی در لباس استاد به اغواگری پرداخته و جوانان را فریب می دهند، بلکه می توان از طریق نماز شب به مقصود رسید.

اگر هر شب نمی توانید بخوانید، لااقل هفته ای یکی دو شب بخوانید و در صورتی که شب ها غذای سبک تری میل کنید، و از نوشیدنی های کمتری استفاده نمایید و زودتر بخوابید و از ساعت زنگ دار و مانند آن بهره بگیرید، ان شاءالله این توفیق نصیبتان خواهد شد.

در ضمن لازم نیست همه مستحبات نماز شب را انجام دهید؛ اگر بتوانید، بسیار خوب است و اگر نمی توانید، به صورت ساده بخوانید و قنوت نماز وتر را کمی طولانی تر به جا آورید و برای مسایل مختلف و مشکلات متفاوت دعا کنید. حتی اگر حال خواندن یازده رکعت را نداشته باشید کافی است سه رکعت نماز شفع و وتر را به جا آورید تا از برکات مهم نماز شب که در روایت مورد بحث به سه مورد آن اشاره شده بهره مند شوید.



## اشاره

داود صرمی خدمت حضرت هادی (علیه السلام) رسید. حضرت خطاب به وی فرمود: «إِنَّ الْحَرَامَ لَا يُنْمَى، وَإِنْ نُمِيَ لَا يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ، وَ مَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهِ، وَ مَا خَلَّفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ؛ مال حرام رشد و نمو ندارد، و اگر رشدی کند برکتی در آن نیست، و برای آنچه صاحبش از آن انفاق کند (هرچند در کارهای خیر باشد) اجری به او داده نمی شود، و آنچه پس از مرگش باقی می ماند توشه او به سوی آتش جهنم است» (1).

## نکات چهارگانه

به چهار نکته در این حدیث شریف اشاره شده است؛ دو نکته درباره خود مال حرام و دو نکته درباره نتیجه و ثمره آن. در مورد خود مال حرام فرمود: 1. مال حرام رشد و نمو ندارد. (2) 2. برکت

ص: 152

1- الکافی، ج 5، ص 125، ح 7؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 53، ح 5.

2- برخلاف مال حلال که رشد می کند. مثلاً در مورد صدقه در آیه شریفه 261 سوره بقره می خوانیم: (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یک صد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته باشد)، دو یا چند برابر می کند؛ و لطف خدا گسترده، و او (به همه چیز) داناست».

ندارد. برکت غیر از رشد و نمو است، زیرا ممکن است شخصی اموال زیادی داشته باشد، اما برکت نداشته باشد؛ یعنی بخشی از آن تلف شود، مقداری از آن خرج بیماری های سنگین گردد، قسمت دیگر آن را به سرقت ببرند و خلاصه صاحب مال بهره ای از آن نبرد.

## ثمرات مال حرام

اما در مورد نتیجه و ثمره مال حرام فرمود:

1. اگر آن را هزینه کند اجر و پاداشی ندارد. خرجی زن و بچه اگر از راه حلال به دست آید ثواب دارد، (1) اما اگر خدایی نکرده از راه حرام تحصیل شود هیچ ارزشی ندارد و به طور کلی هر کار خیری با پول و درآمد نامشروع انجام شود بی ارزش است. (2)
2. اگر آن درآمدهای نامشروع را هزینه نکند و به عنوان ارث به ورثه اش برسد، زاد و توشه اش به سوی جهنم خواهد بود و چه بد زاد و توشه ای است.

ص: 153

---

1- الکافی، ج 5، ص 88، ح 1 و 2 و 3.

2- الکافی، ج 5، ص 126، ح 9.

## فراوانی مال حرام در عصر و زمان ما

متأسفانه در زمان ما، مال حرام زیاد شده، لذا برکت از اموال رفته است.

### مصرف وام برخلاف قرارداد

این یکی از طرق کسب مال حرام توسط بانک های وظیفه نشناس است، که به مقررات شرعی و ضوابط بانکداری اسلامی عمل نمی کنند. متقاضی وام تعمیر مسکن به مسؤل وام مراجعه می کند، او می گوید: این نوع وام نداریم اما شما یک فاکتور صوری خرید کالا بیاور تا وام خرید کالا بدهیم. و بدین صورت وامی داده می شود که درباره آن مطابق قرارداد عمل نمی شود و سود حاصل از آن جنبه ربوی پیدا می کند. هم بانک مال حرام می خورد چون سود مذکور ربا محسوب می شود و هم وام گیرنده آلوده به حرام می شود چون اصل چنان وامی هم حرام است.

### جریمه های دیگرکرد

جریمه های دیگرکرد، از دیگر مال های حرام است. اگر به عنوان تعزیر است باید تحویل بیت المال شود، نه این که بانک برای خودش بردارد.

ص: 154

## طرق دیگر کسب مال حرام

احتکار، کم فروشی، تدلیس و تقلب، از دیگر طرق کسب مال حرام به شمار می روند. تولیدکننده ای که تولیدات داخلی خود را با مارک های خارجی به فروش می رساند، در حال کسب مال حرام و نامشروع است.

رشوه که گاه به نام «هدیه» یا «زیرمیزی» و یا حتی گاه در پوشش کمک به امور خیریه، گرفته می شود از دیگر مجراهای کسب مال حرام به شمار می رود.

«رانت خواری»، یعنی استفاده از امتیازات ویژه از بیت المال، در حالی که بیت المال باید برای همه مساوی باشد، طریق دیگر کسب مال حرام است.

## مال حرام و محرومیت از عبادت

هنگامی که مال حرام وارد زندگی شد مشکلات زیاد می شود؛ خشکسالی رخ می دهد، گرانی به وجود می آید و حداقل انسان از عبادت محروم می شود. در روایتی آمده است: بنده آلوده گناهی می شود و از نماز شب محروم می گردد. (1)

بنابراین، باید مراقب درآمدهای خود باشیم که خدای ناکرده از طریق حرام نباشد.

ص: 155



اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ بُقَاعاً يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا؛ فَيَسْتَجِيبُ لِمَنْ دَعَاهُ وَ الْحَيْرُ مِنْهَا؛ خدایوند سرزمین هایی دارد که دوست دارد در آن خوانده شود تا اجابت کند و کربلا یکی از آن سرزمین هاست». (1)

راز اهمیت برخی زمان ها و مکان ها

سؤال: آیا زمان ها و مکان ها دارای اهمیت خاصی هستند؟ اگر جواب مثبت است، شرافت زمان ها و مکان ها از کجاست؟

جواب: آری، برخی از زمان ها و مکان ها شرافت دارند و شرافت آن ها بستگی به حوادثی دارد که در آن ها واقع شده است: مثلاً علّت اهمیت فوق العاده شب قدر (2) دو حادثه مهمّی است که در

ص: 156

---

1- فرهنگ جامع سخنان امام هادی (علیه السلام)، ص 426، ح 353.

2- شرح بیشتر را در تفسیر نمونه، ج 27، ص 203 به بعد، ذیل تفسیر سوره قدر، مطالعه فرمایید. مباحثی نظیر «چه اموری در شب قدر مقدر می شود؟»، «شب قدر کدام است؟»، «چرا شب قدر مخفی است؟» و مطالب دیگر، در منبع فوق مورد بحث قرار گرفته است.

آن رخ داده و می دهد: یکی نزول قرآن مجید و دیگری تقدیر مقدرات انسان ها. یا راز اهمیت فراوان روز غدیر 1 پیوستگی آن با حادثه مهم ولایت حضرت علی (علیه السلام) در آن روز به امر پروردگار عالم است.

در مورد مکان های مقدس نیز همین مطلب صادق است. به عنوان مثال، علت این که شهر مکه حرم امن الهی است، این است که قدیمی ترین مرکز عبودیت و پرستش خداست و طبیعی است که مکانی که این همه سابقه عبودیت داشته باشد حرم امن الهی شود.

## زمان های نحس

البته ممکن است برخی حوادث و رویدادها نیز سبب نحسی برخی زمان ها و مکان ها بشود، همان گونه که در آیه شریفه 19 سوره قمر می خوانیم: (إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ)؛ «ما تندباد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنان فرستادیم».

و یا در آیه 16 سوره فصلت می فرماید: (فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

ص: 157

وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ؛ سرانجام تندبادی هول انگیز و سرد در روزهای شوم و پرغبار بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آن‌ها بچشانیم؛ و به یقین عذاب آخرت خوارکننده تر است، و (از هیچ سو) یاری نمی‌شوند!».

خلاصه این که زمان‌ها و مکان‌ها بر اثر حوادثی که در آن‌ها اتفاق افتاده ممکن است شرافت پیدا کرده، یا نحس و شوم شوند. هر چند جهات دیگری هم ممکن است تأثیر داشته باشد.

### شرافت کربلا

امام هادی (علیه السلام) کربلا را از جمله سرزمین‌هایی می‌داند که دارای شرافت خاصی است، لذا خداوند دوست دارد در آن جا دعا کنند و او اجابت کند. راز شرافت عظیم کربلا، حادثه بی نظیری است که در آن اتفاق افتاد.

حادثه‌ای که شخصیت فوق العاده والایی همچون حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و هفتاد و دو تن از بهترین یارانش در آن شربت شهادت نوشیدند، تا امت جدش اصلاح شود و فریضه فراموش شده امر به معروف و نهی از منکر احیا گردد. (1) اما متأسفانه هنوز هم پس از گذشت هزار و چهارصد سال، بعضی‌ها از عاملان آن جنایات بی نظیر دفاع کرده و آن‌ها را برحق می‌دانند!

ص: 158

---

1- بحار الانوار، ج 44، ص 329، ح 2.

آیا آن‌ها فکر نکرده‌اند که یزید، نوه آكلة الاكباد(1) و دشمن شماره یک اسلام، ابوسفیان بود و چه سوابق و لواحق برای این خاندان در تاریخ وجود دارد؟(2)

ص: 159

- 
- 1- آكلة الاكباد اشاره به هنده، همسر ابوسفیان است که در جنگ احد جگر سردار رشید اسلام حضرت حمزه را به دندان گرفت. شرح این مطلب را در کتاب «زندگانی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر اسلام»، ج 2، ص 115 مطالعه فرمایید.
  - 2- بخشی از ظلم‌ها و جنایات این خاندان را در کتاب عاشورا، ص 161 به بعد مطالعه فرمایید.

### 36- خدا را فقط به خاطر خودش عبادت کن

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ أَقْبَلَ مَعَ أَمْرٍ وَلِيَ مَعَ انْقِضَائِهِ؛ هرگاه کسی به خاطر چیزی دنبال کسی باشد، وقتی آن چیز تمام شد دنبال او نخواهد رفت».(1)

این حدیث می تواند مصداق های مختلفی داشته باشد، از جمله: مثلاً اگر کسی به خاطر مال یا مقام شخص دیگری به او علاقه مند شده، وقتی مال و مقامش از بین رفت، او را رها می کند. یا مثلاً اگر کسی همسری انتخاب کند به این دلیل که پدری پولدار و ثروتمند دارد، هر زمان پدر زن ورشکست شود و ثروتش از دست برود، طبیعتاً مرد به آن زن بی علاقه می گردد. یا اگر به خاطر فلان نعمت به در خانه خدا می رود زمانی که آن نعمت به دلیلی از وی سلب گردد به خداوند بی علاقه می شود.

مکّر دیده یا شنیده ایم که افرادی اهل نماز و روزه و سایر

ص: 160

---

1- بحار الانوار، ج 78، ص 349، ح 4.

احکام اسلام بوده و ادّعیای دیانت و ایمان داشته اند، امّا هنگامی که نعمتی از آن ها سلب شد یا خداوند خواسته آن ها را بنابر مصالحی نداد و دعایشان را اجابت نکرد، با خدا قهره کرده و نماز و روزه و دعا را رها کرده اند. چنین کسانی در حقیقت خدا را به خاطر خودش عبادت نمی کردند، بلکه به خاطر نعمت هایی که در اختیارشان قرار داده پرستش می کردند. مؤمنان حقیقی در هر حال، در حال بیم و امید، خدا را می خوانند: (يُدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا) (1) و هرگز ناامید نمی شوند.

آنها در برابر محرومیت ها و بیماری ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند: (وَ الصّٰبِرِيْنَ فِي الْبٰسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِيْنَ الْبٰسِ) (2) و خداوند را از روی اخلاص و فقط به خاطر خودش می خوانند: (وَ ادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ). (3)

امّا کسانی که به ایمان حقیقی دست نیافته اند و لایه هایی از شرک در عقاید و اعمالشان وجود دارد چنین نیستند. آن ها هنگامی که سوار بر کشتی شوند و طوفان شدیدی شروع به وزیدن کند و امواج از هرسو به سراغشان بیاید و گمان کنند که هلاک خواهند شد، خدا را از روی اخلاص می خوانند که اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم شد؛ امّا هنگامی که خدا

ص: 161

---

1- سوره انبیاء، آیه 90.

2- سوره بقره، آیه 177.

3- سوره اعراف، آیه 29.

آن‌ها را رهایی می‌بخشد به ناحق در زمین ستم می‌کنند. (1)

بنابراین باید خدا را فقط به خاطر خودش عبادت کنیم تا همیشه با او در ارتباط باشیم و هیچ‌گاه توفیق عبادتش از ما سلب نشود.

همان‌گونه که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ عِقَابِكَ وَلَا طَمَعًا فِي ثَوَابِكَ وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ؛ معبود! تو را به دلیل ترس از عقاب و طمع در پاداشت پرستش نکردم، بلکه تو را سزاوار عبادت دیدم و پرستیدم». (2)

آری! انسان باید چنان تربیت شود که خدا را فقط به خاطر خودش عبادت کند.

ص: 162

---

1- سوره یونس، آیات 21 و 22.

2- بحار الانوار، ج 41، ص 14، ح 4.





### اشاره

یحیی بن عبدالحمید می گوید: امام هادی (علیه السلام) خطاب به مردی که فرزندش را مذمت کرد و از او ناراحت بود فرمود: «الْعُقُوقُ ثَكْلٌ مَنْ لَمْ يَتَّكَلْ؛ نافرمانی فرزند مانند این است که انسان او را از دست بدهد».<sup>(1)</sup>

### پدران، مادران و فرزندان

رابطه فرزندان و والدین موضوع بسیار مهمی است، که متأسفانه در عصر و زمان ما وضعیتی مناسبی ندارد. بسیاری از والدین از فرزندانشان ناراضی اند و بسیاری از فرزندان از پدر و مادرهای خود گله مند، و این نگرانی و ناراحتی سبب شده که والدین برای عاقبت به خیری جوانان خود تقاضای دعا می کنند.

علت مهم این ناسازگاری ها این است که فرهنگی که والدین در

ص: 164

آن پرورش یافته اند، با فرهنگ فرزندان تفاوت بسیار دارد، تا آن جا که نه آنها می توانند فرزند را درک کنند و نه او توان درک آنها را دارد. والدین نباید انتظار داشته باشند که هرچه آن ها می گویند فرزندان بپذیرند، همان گونه که فرزندان نباید چنین انتظاری داشته باشند. آری، مطلق نگرى طرفین، علت ایجاد این مشکلات است. آن ها باید تفاهم داشته باشند، یعنی اصول را حفظ کرده و در فروع با هم کنار بیایند.

## والدین در قرآن

قرآن مجید در مورد حرمت والدین سنگ تمام گذاشته است. در آیه شریفه 23 سوره اسراء می خوانیم: (وَقَصِّى رُبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا)؛ «و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید».

خداوند متعال پس از سفارش به عبودیت و بندگی، احسان به والدین را مطرح کرده است و این، نشان دهنده اهمیت فوق العاده جایگاه پدر و مادر است. و در آیه بعد می فرماید: (وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ اِزْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِى صَغِيرًا)؛ «پروردگارا تو مواضع خویش را از روی محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر؛ و بگو: پروردگارا! همان گونه که آن ها مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده».(1)

ص: 165

طبق آنچه در این آیه شریفه آمده، نه تنها در این دنیا باید حرمت والدین را نگه داشت، بلکه باید پس از مرگشان نیز به فکر آن ها بود و برایشان دعا کرد.

### **سخت گیری والدین**

والدین هم نباید سخت گیری کنند. بسیاری از جوانان از سخت گیری پدران و مادرانشان در مورد ازدواجشان گله مند هستند. چرا والدین در این مورد سخت گیری می کنند؟ اگر طرف مقابل از خانواده متدین و شناخته شده ای است مخالفت جایی ندارد؛ هرچند واجد همه صفات عالیه نباشد. اگر قدر مشترک ها را در نظر بگیریم و با یکدیگر مدارا کنیم و همدیگر را تحمل نماییم، *إن شاء الله* مشکلات حل می شود. از خداوند متعال می خواهیم که در پرتو احکام و دستورات اسلام، اختلافات والدین و فرزندان را حل کند و الفت و دوستی را بر روابطشان حاکم سازد.

ص: 166



### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «الَسَهْرُ الَّذِي لِمَنَامٍ وَالْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ؛ شب بیداری سبب می شود خواب لذیذتر شود و گرسنگی سبب می شود غذا لذت بخش تر گردد».<sup>(1)</sup>

در ذیل حدیث آمده است: «يُرِيدُ بِهِ الْحَثُّ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ؛ منظور امام از شب زنده داری، نماز شب است».

طبق این تفسیر، منظور امام هادی (علیه السلام) نماز شب و شب زنده داری در نیمه های شب و روزه های مستحبی و مبارزه با هوای نفس در روز است.

### اهمیت نماز شب

نماز شب از عباداتی است که اثر فوق العاده ای در تربیت روح انسان می گذارد و از آیات قرآن مجید استفاده می شود که

ص: 168

---

1- بحار الانوار، ج 78، ص 369، ح 4.

بخشی از مقامات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از نماز شب نشأت گرفته است. آیه شریفه 79 سوره اسراء اشاره به همین مطلب می کند، می فرماید: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا)؛ «و پاسی از شب را از خواب برخیز، و قرآن (و نماز) بخوان، این یک وظیفه اضافی برای توست، امید است پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برساند».

لذا اولیاءالله اهمیت فراوانی به نماز شب می دادند.

## آثار نماز شب

حقیقت این است که انسان در نماز شب حالی پیدا می کند که در نمازهای دیگر به آن دست نمی یابد. خلوص نیت و حضور قلبی که در نماز شب حاصل می شود در نمازهای دیگر وجود ندارد، بدین علت دعاها در نماز شب مؤثرتر است. روزه های مستحبی نیز چنین است و اثر زیادی در کنترل هوای نفس و تربیت روح انسان دارد.

## مذمت پرخوری و پرخوابی

احتمال دیگری نیز برای تفسیر حدیث مورد بحث می توان ذکر کرد و آن این که: امام هادی (علیه السلام) طبق این حدیث، از پرخوری و پرخوابی نهی می کند. اگر مردم اعتدال و میانه روی را در خوردن رعایت کنند بسیاری از بیماری ها برطرف می شود.

ص: 169

این که به ما دستور داده اند: تا گرسنه نشده اید غذا نخورید و قبل از سیر شدن دست از غذا بکشید(1)، به همین دلیل است.

پرخوابی هم ضررهایی دارد که ضعف اعصاب و کم شدن هوشیاری از جمله آن هاست. بنابراین، ممکن است حدیث مورد بحث، اشاره به ترک پرخوری و پرخوابی باشد، در نتیجه امام (علیه السلام) در یک عبارت کوتاه، برنامه سلامت انسان را بیان کرده است.

ص: 170

---

1- کتاب المحاسن، ص 447، ح 342؛ حلیة المتقین، ص 135، ح 7.





اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «أَذْكُرُ مَصْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيِ أَهْلِكَ، وَلَا طَبِيبٌ يَمْنَعُكَ وَلَا حَبِيبٌ يَنْفَعُكَ؛ به یاد آور پایان عمرت را (آن زمان که جلوی چشمان خانواده در بستر افتاده ای) نه طبیبی می تواند مانع مرگت شود و نه دوستان نفعی به حال تو دارند» (1).

این حدیث، کلامی بسیار پرمعنا و در عین فشردگی الهام بخش است.

برخورد با مرگ

بسیارند کسانی که مایل نیستند نام مرگ را بشنوند و به پایان زندگی شان بیندیشند و اگر هم کسی نزد آن ها از مرگ سخن بگوید، حاضر نیستند به آن گوش فرادهند و اگر نتوانند مانع چنان سخنانی شوند، مجلس را ترک می کنند و این نهایت جهالت است.

ص: 172

به تعبیر حضرت علی (علیه السلام): چگونه غافلید از چیزی که هرگز از شما غفلت نمی کند؟ می فرماید: «وَأَصْبَحْتُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلَاقِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ، وَكَيْفَ غَفَلْتُكُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ، وَطَمَعُكُمْ فِي مَنْ لَيْسَ يُمَهَّلُكُمْ! فَكَفَىٰ وَعِظًا بِمَوْتِي عَايِنْتُمْ وَهُمْ، حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ، وَأُنزِلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ، فَكَأَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عُمَّارًا، وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا. أَوْ حَسُّوا مَا كَانُوا يُوطِنُونَ، وَأَوْطِنُوا مَا كَانُوا يُوحِشُونَ؛ شَمَارًا بِهَادِئَةٍ مَرِغَةٍ وَكَاسْتِنَازٍ مَرِغَةٍ وَكَاسْتِنَازٍ مَرِغَةٍ وَكَاسْتِنَازٍ مَرِغَةٍ. چگونه غافل می شوید از چیزی که از شما غافل نمی شود؟ چگونه طمع می ورزید در کسی (اشاره به فرشته مرگ است) که به شما مهلت نمی دهد؟! بهترین واعظ و اندرزدهنده برای شما مردگانی هستند که با چشم خود آن ها را می بینید که به سوی قبرهایشان می برند بی آن که اختیاری از خود داشته باشند، و در میان قبر می گذارند بی آن که بخواهند! (چنان از دنیا بیگانه می شوند که) گویی هرگز به عمران آن نپرداخته اند و (چنان به آخرت می پیوندند که) گویی سرای دیگر همیشه وطنشان بوده است! (آری) از جایی که وطنشان بود وحشت و دوری می کنند و جایی را که از آن وحشت داشتند به عنوان وطن بر می گزینند» (1).

بنابراین، عقل حکم می کند که به مرگ بیندیشیم و در مورد پایان زندگی فکر کنیم و خود را برای آن لحظات حساس آماده سازیم.

ص: 173

اندیشه کردن در مورد مرگ، نه تنها نشانه عاقل و هوشیار بودن است، بلکه طبق فرموده رسول خدا (صلی الله علیه و آله): باهوش ترین مردم کسی است که بیشتر به یاد مرگ باشد. (1)

## نتایج یاد مرگ

یاد مرگ سبب می شود که برای این انتقال بزرگ آماده شویم، چراکه تا انسان تصمیم به سفری نگیرد، آماده آن سفر نمی شود. یاد مرگ جلوی بسیاری از طغیان ها و مفسد و خلاف ها را می گیرد.

اگر ظالمان و ستمگران یک لحظه به مرگشان می اندیشیدند این قدر جنایت نمی کردند.

## مرگ خبر نمی کند!

مرگ خبر نمی کند و همه در معرض آن هستند، به ویژه در عصر و زمان ما که حوادث گوناگون ما را به مرگ نزدیک تر کرده است.

آری، مرگ گاهی بسیار ساده اتفاق می افتد. اگر اندکی خون در یکی از مویرگ های منتهی به قلب یا مغز لخته شود بدن فلج شده و قلب و مغز از کار می افتد. اطبای متخصص قلب و مغز را می شناختیم که دچار همین حالت شده و بر اثر سکته قلبی یا مغزی جان باختند.

یا اگر یکی از سلول های بدن طغیان کرده و بی رویه شروع به

ص: 174

رشد و تکثیر کند، تبدیل به تومور سرطانی می شود که بشر هنوز راه قابل ملاحظه ای برای درمان آن پیدا نکرده است.

اگر انسان ها به این ضعف ها و ناتوانی های خویش بیندیشند و باور کنند که مرگ این قدر به آن ها نزدیک است، به سراغ ظلم و جنایت و گناه و معصیت نخواهند رفت.

اگر حضرت علی (علیه السلام) بهترین واعظان را مردگان خاموش (1) معرفی کرده برای همین است که یاد مرگ و اندیشه کردن در مورد مردگان آثار مثبت فراوانی دارد و انسان را از خواب غفلت بیدار می کند.

ای کاش هر روز جملات ارزشمند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و امام هادی (علیه السلام) را تکرار می کردیم تا دچار غفلت نشویم.

ص: 175

---

1- نهج البلاغه، خطبه 188، ج 2، ص 290.

### اشاره

امام هادی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يَتَّقِنِي، وَمَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ؛ كَسَى كِتَابُ اللَّهِ تَقْوَى اللَّهِ رَأْسَهُ خَدَّيْهِ أَوْرَاقُهُ وَرِجْلَيْهِ حَبْلُ اللَّهِ» (1).

### تقوا عامل محبوبیت

این یک واقعیت است که تقوای الهی سبب محبوبیت در نزد مردم می شود. افراد مؤمن و پاک و امین و درستکار، مورد علاقه همه مردم هستند. حتی انسان های ناپاک و بی ایمان و خائن و بدکردار، به آن ها احترام می گذارند، و لذا اگر کسی آلوده دزدی و سرقت باشد و بخواهد خانه ای بخرد، به سراغ منزلی می رود که همسایه های پاک و باایمانی داشته باشد و از خرید خانه در همسایگی دزدان خودداری می ورزد. اگر شخص خائن و گنهکاری،

ص: 176

چیز ارزشمندی داشته باشد و بخواهد آن را امانت بدهد آن را به فردی همچون خودش نمی سپارد، بلکه به سراغ انسان امین مؤمن می رود.

### محبوبیت، عامل محافظت

همان گونه که گفته شد تقوا سبب محبوبیت می شود و محبوبیت هم عامل محافظت خواهد بود. انسان های بی ایمان و متقلب و خائن دشمنان فراوانی دارند، ولی انسان های درستکار و باایمان دشمنان زیادی ندارند، بلکه مردم آن ها را دوست می دارند.

### اطاعت خالق آری، سخط او هرگز!

امام (علیه السلام) در ادامه روایت می فرماید: «مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ؛ کسی که از خالقش اطاعت کند توجهی به نارضایتی مخلوق نمی کند».

کسی که فقط به رضایت خداوند می اندیشد و لذا در برابر مفسد اخلاقی واکنش نشان می دهد، از عکس العمل و ناراحتی طرفداران این کارهای زشت ناراحت نمی شود.

برای رضای خدا امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ هرچند به مذاق عده ای خوش نیاید.

و در پایان می فرماید: «وَمَنْ أَسَخَطَ الْخَالِقَ فَلْيَتَّقِنُ أَنْ يَحُلَّ بِهِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ؛ و کسی که برای جلب رضایت مردم، خداوند

رأبه خشم آورد، یقین داشته باشد که خداوند همان مردم را به جانش می اندازد». (1)

نمونه های متعددی از مصداق این روایت را دیده ایم.

امروز که قرآن تلاوت می کردم به آیه شریفه 36 سوره زخرف رسیدم که می فرماید: (وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَانِ نُقِصْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ)؛ و هرکس از خداوند رحمان، روی گردان شود شیطانی را بر او مسلط می سازیم که همواره همنشین او خواهد بود).

امیدوارم خداوند به همه ما توفیق دهد که لحظه ای از یاد او غافل نشویم و همیشه در پناه لطف و حمایت او باشیم.

ص: 178

---

1- تحف العقول، ص 361.





1. القرآن الکریم؛ ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ دوم، سال 1389 هـ. ش.
2. اخلاق در قرآن؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ سوم، سال 1385 هـ. ش.
3. امالی شیخ صدوق؛ محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، انتشارات کتابچی، قم، چاپ هفتم، سال 1380 هـ. ش.
4. امثال و حکم؛ علی اکبر دهخدا، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پانزدهم، سال 1388 هـ. ش.
5. بحار الانوار؛ محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، سال 1403 هـ. ق.
6. تحف العقول؛ حسن بن علی بن الحسین بن شعبه، منشورات مکتبه بصیرتی، قم، چاپ پنجم، سال 1394 هـ. ق.
7. تفسیر القرطبی (الجامع لاحکام القرآن)؛ محمد بن احمد الانصاری القرطبی، دارالشعب، قاهره، چاپ اول، بی تا.

8. التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (علیه السلام)؛ زیر نظر سید محمد باقر موحد ابطحی، مدرسة الامام المهدي (عج)، قم، چاپ اول، سال 1409 هـ. ق.
9. تفسیر نمونه؛ آية الله العظمی مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ بیست و هفتم، سال 1386 هـ. ش.
10. تهذیب الاحکام؛ محمد بن الحسن الطوسی، دار صعب ودارالتعارف، بیروت، چاپ اول، سال 1401 هـ. ق.
11. جایگاه عقلائیة در اسلام؛ آية الله العظمی مکارم شیرازی، تهیة و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، مدرسة الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ اول، سال 1391 هـ. ش.
12. حلیة المتقین؛ علامه مجلسی، بازرگری و تحقیق: ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ اول، سال 1392 هـ. ش.
13. خاطراتی از استاد؛ ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، مدرسة الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ اول، سال 1390 هـ. ش.
14. دیوان حافظ؛ تصحیح: سید علی محمد رفیعی، انتشارات قدیانی، تهران، چاپ دوم، سال 1372 هـ. ش.
15. زندگانی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر اسلام؛ ابن هشام، مترجم: رسولی محلاتی، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ ششم، سال 1380 هـ. ش.
16. سلمان، نخستین مسلمان ایرانی؛ داوود الهامی، انتشارات مفید، تهران، چاپ اول، سال 1361 هـ. ش.

17. سلمان فارسی استنادار مداین؛ احمد صادقی اردستانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، سال 1376 هـ. ش.
18. سفینه البحار؛ شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، قم، چاپ اول، سال 1414 هـ. ق.
19. عاشوراریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها؛ سعید داوودی و مهدی رستم نژاد، زیر نظر آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ پنجم، سال 1387 هـ. ش.
20. فرهنگ جامع سخنان امام هادی (علیه السلام)؛ گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، نشر معروف، قم، چاپ چهارم، سال 1389 هـ. ش.
21. الکافی؛ محمد بن یعقوب کلینی، دارصعب و دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ سوم، سال 1401 هـ. ق.
22. کتاب المحاسن؛ احمد بن محمد خالد البرقی، دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ دوم، بی تا.
23. مبانی تفسیر قرآن؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی، تدوین: ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ اول، سال 1393 هـ. ش.
24. المفاتیح الجديدة؛ احمد قدسی و سعید داودی، زیر نظر آیه الله العظمی مکارم شیرازی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ اول، سال 1431 هـ. ق.
25. میزان الحکمه با ترجمه فارسی؛ محمد محمدی ری شهری، دارالحدیث، قم، چاپ چهارم، سال 1383 هـ. ش.

26. میزان الحکمه بدون ترجمه فارسی؛ محمّد محمّدی ری شهری، دارالحديث للطباعة و النشر، بیروت، چاپ ششم، سال 1433 هـ.ق.
27. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده؛ محمّد جعفر امامی و محمّد رضا آشتیانی، زیر نظر آیه الله العظمی مکارم شیرازی، مدرسة الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ سیزدهم، سال 1381 هـ.ش.
28. وسائل الشیعه؛ محمد بن الحسن الحرّ العاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، بی تا.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

